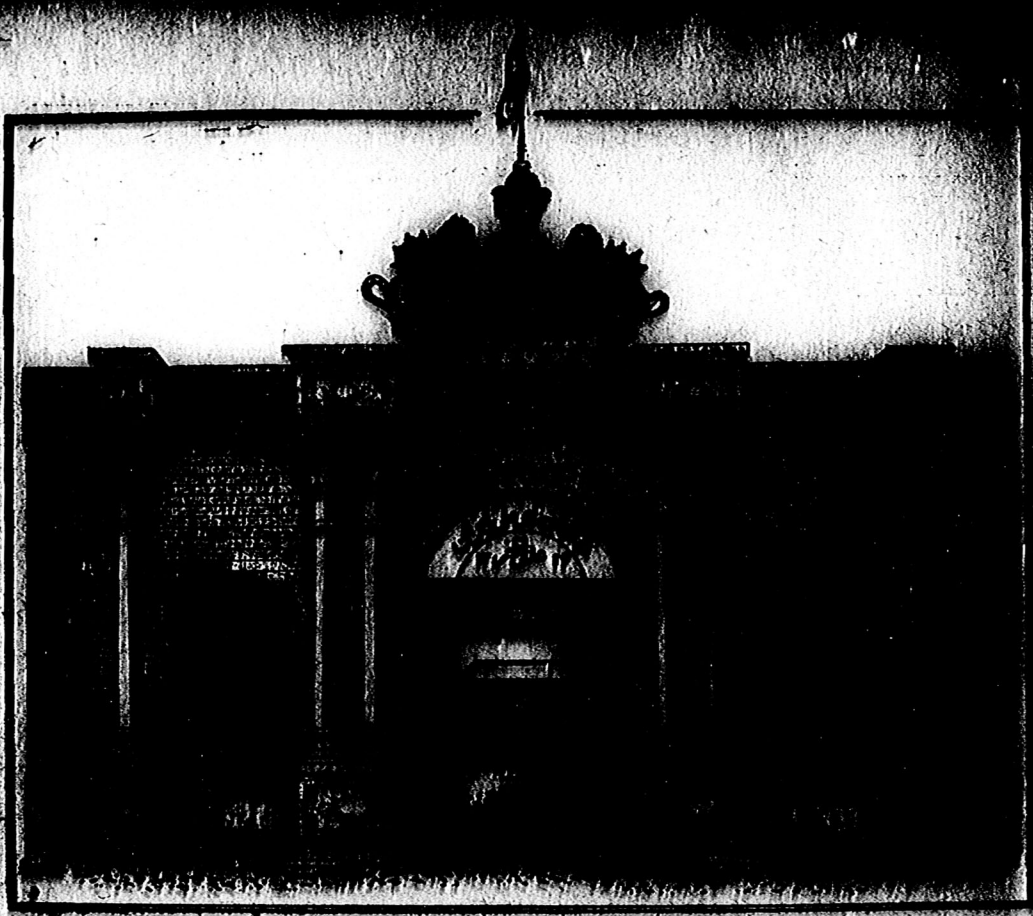

دورهٔ هفتم تقنینیه

شمارهٔ ۳۵

مذاکرات مجلس

جلسه ۳۵

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

مطبعهٔ مجلس

قیمت اشتراک

داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمت تک شماره

ایران

تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵

جلسه دوشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۰۷

مطابق ۹ شوال المکرم ۱۳۴۷

فهرست مندرجات

نمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان همراز و آقا شیخ جواد بهبهانی	۵۷۱	۵۷۲
۲	مذاکرات اسبت بخبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بانحصار دخانیات وتصویب چهار ماده آن	۵۷۲	۵۹۰
۳	مذاکرات اسبت بلایحه حقوق منتظرین خدمت	۵۹۱	۵۹۵

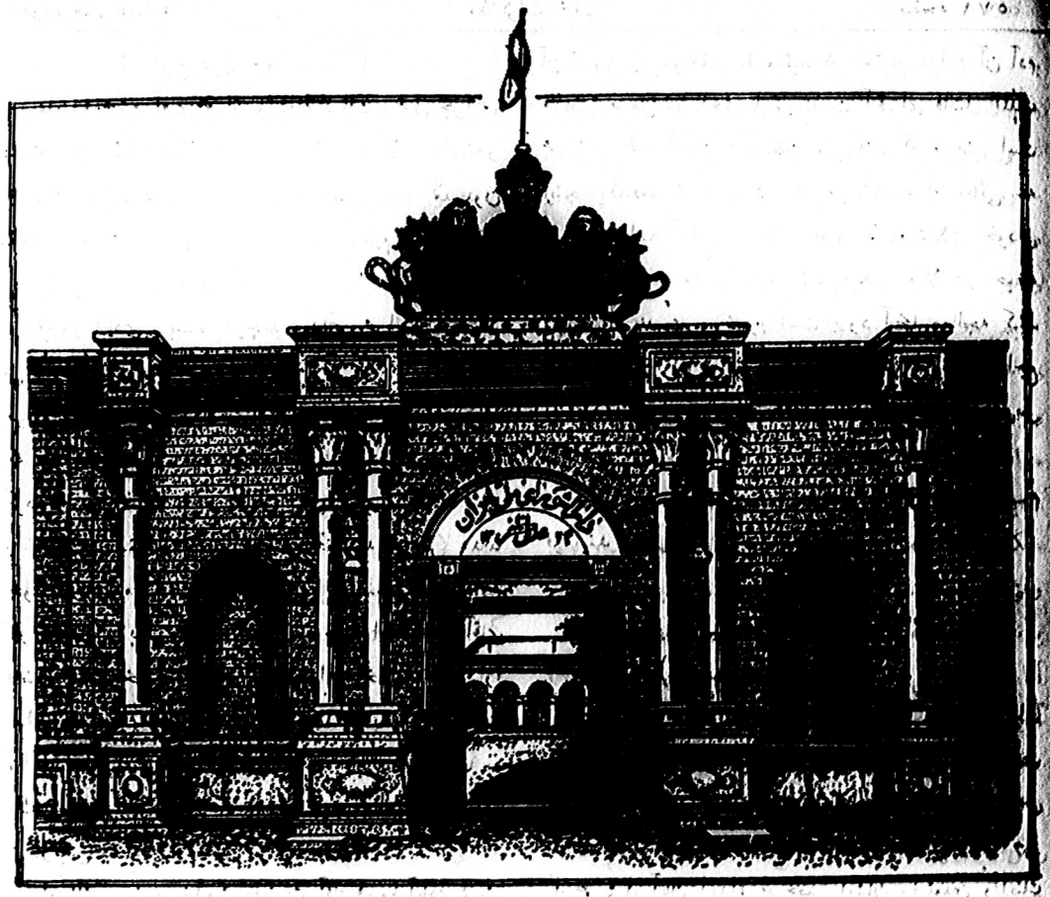

مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس یوم دوشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۰۷ مطابق ۶ شوال المکرم ۱۳۴۷

جلسه ۳۵

(مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

(صورت مجلس یکشنبه ۲۶ اسفند ماه را آقای اورنگ قرائت نمودند)

رئیس - درصورت مجلس نظری نیست؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. دو فقره راپرت از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

نمایندهٔ محترم آقای هراز بواسطهٔ کسالت وعمل جراحی به تصدیق اطباء مسافرت خود را بخارجه لازم دانسته و از ۲۴ اسفند تقاضای سه ماه مرخصی نموده کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس – آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی – بنده هرچند میدانم عرایضم حالا بی نتیجه است اما امیدوارم یك وقتی که تمام امورات موافق دلخواه همه بشود آنهم اصلاح شود یا این مرخصی‌ها که خواسته میشود بتنده رویهمرفته مکرر در مکرر عرض کرده ام که مخالف نیستم آقایان تشریف ببرند کارها شان را اصلاح کنند و اگر خدای نخواسته مریض شدند خودشان را معالجه کنند یا چیزی که بنده مخالفت دارم کار نکردن و پول گرفتن است با وجود اینکه به آقای فاضل الملك اخلاص دارم اما نمیتوانم اخلاص خودم را فدای عقیده ام بکنم و چون عقیده ندارم به این ترتیبات و از آنطرف هم اگر آقایان اجازه نگیرند این پول به یك مصارف خوبی میرسد به این جهة مخالفم

رئیس – آقای اورنك

اورنك – بنده خدمت حضرت آقای فیروز آبادی عرض میکنم اگر آقا نظرشان این باشد که بعضی از آقایان نمایندگان امساك کرده باشند در تقاضای مرخصی بایستی خود حضرت مستطابعالی تفکیك بفرمائید اعتراضاتتان را نسبت به آقایانیکه تقاضای مرخصی میکنند یك قسمت از آقایان در تقاضای مرخصیشان شغل خصوصی دارند یا این که کار عمومی و نوعی دارند و تقاضای مرخصی میکنند یك قسمت مریض میشوند این اختیاری نیست حضرت مستطاب عالی بنا بر اعتقاد بنده اگر میل داشته باشید که واقع دراین موضوع مذاکره بفرمائید حصر بفرمائید اعتراض خود تان را به قسمتی ازآقایان دیگر که بعناوین دیگر تقاضای مرخصی میکنند آنجا صحبت بفرمائید و البته مسئله در آنجا نظری است و مسئله قابل نظر است و قابل بحث است اما آن قسمتی که ناخوش میشوند آن قسمت را موافقت بفرمائید که اختیار ندارد آن آدم مریض مرض در اختیارش نیست آقای فاضل الملك همراز را همه آقایان نمایندگان مسبوقند که مریض است اینجا یکدفعه هم عمل کرد در مریضخانه آمریکائی سه ماه هم خوابید آنقدر که لازم بود که در مملکت خودش متوقف باشد و مداوا بکند کرد دیگر حالا در حیطه اختیار او نیست و مجبور است برود آنجا معالجه کند این قسمت را آقا توافق بفرمایند که اعتراضتان راجع به این صنف مردم نشود برای استحضار خاطرتان عرض کردم .

رئیس – موافقین با مرخصی آقای همراز قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس – تصویب شد . خبر دیگر قرائت میشود .

(بمضمون ذیل خوانده شد)

نمایندهٔ محترم آقای آقا شیخ جواد بهبهانی بواسطه کسالت مزاج و گرفتاریهای شخصی ولزوعی نتوانسته اند در موعد مقرره در مجلس حاضر شوند و تقاضای سه ماه مرخصی نموده اند . کمیسیون تقاضای ممزی الیه را تصویب واز تاریخ ۱۴ آبان ابتداء مرخصی ایشان را تعیین و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس – آقای عراقی

عراقی – موافقم .

رئیس – آقای کازرونی

کازرونی – موافقم

رئیس – آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی – اولا آقای شیخ الملك فرمودند هرکس ناخوش است باید ملاحظهٔ شود . بنده این را عرض کنم که بعضی اوقات شده است که بنده نتوانسته ام مخالفت کنم یا بعرض آقای رئیس برسانم و مورد تعرض و حمله واقع شده ام که چرا یا فلانکس مخالفت کردی و یا فلانکس مخالفت نکردی ترتیب کار این قسم شده است و اینکه آقا فرمودند که هرکس مریض است باید مرخصی بگیرد

بنده که می بینم هرکس که میخواهد اجازه مرخصی بگیرد بعنوان مرض میگیرد و بحمدالله شکر میکنم خدارا که بعضی‌ها بعنوان مرض مرخصی میگیرند و چندشب بعد عروسی میکنند و در این صورت بنده مجبورم مخالفت خودم را هم بکنم که اگر بعنوان مرض هم واقعاً باشد لو در آنصورت هم باز مخالفم و میگویم که چرا وکیلی که مریض است خرجش را ملت بدهد اگر وکیل نبود خرجش را خودش میداد حالا هم باید خرجش را خودش بدهد و بدبختانه بنده نمیتوانم با این ترتیبی که پیش آمده است موافقت کنم و یك عقیدهٔ خودم دارم و مجبورم که عقاید خودم را تعقیب کنم و عرض کردم باز هم عرض میکنم که گرچه این عرایض بنده حالا نتیجه ندارد ولی وقتی خواهد شد که این عرایض بنده نتیجه خواهدداد به این ملاحظه بنده با این مرخصی‌ها مخالفم

آقا سید مرتضی وثوق) (مخبر کمیسیون عرایض ومرخصی) آقای آقا شیخ جواد بهبهانی قطع نظر از اینکه کسالت داشتند در خوزستان برای انجام خدمات عمومی مملکتی مانده بودند و یك خطراتی برای ایشان در این مدت پیش آمد کرده و بحمدالله رفع شد و در آن موقع که مشغول خدمات خود بودند شاید بیشتر از این حقوق به ایشان خسارت وارد آمده به این جهت چون مشغول خدمات مهمه بوده اند کمیسیون هم مرخصی ایشان را تصویب کرد که ایشان استفاده کنند

رئیس – رای گرفته میشود به راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس – تصویب شد . خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به انحصار دخانیات مطرح است

فیروز آبادی – بنده یك پیشنهادی داده ام

وزیر پست وتلگراف – با موافقت حضرت آقای وزیر مالیه تقاضا میکنم خبر کمیسیون پست و تلگراف راجع بوا بیائی خط طهران ومشهد مطرح شود .

وزیر مالیه – بنده هم موافقت میکنم چون شور اول است مطرح شود

فیروز آبادی – بنده هم پیشنهادی داده ام

رئیس – آقا پیشنهاد کرده اند که چه بشود

فیروز آبادی – پیشنهاد کرده ام که لایحه کویر خوار مطرح شود

رئیس – بفرمائید .

فیروز آبادی – بنده از آنجائی که عقیده دارم که در باب آبادی مملکت تمام افراد مملکت جدیت داشته باشند و اهمیت بدهند . لایحه اراضی کویر خوار مدتی است آمده است در مجلس و مذاکرات هم شده و حالا مدتی است عقب افتاده و هیچ مذاکره در او نمیشود چون این لایحه لایحه ایست که ضرور برای دولت ندارد و یك اراضی است که ساطع لم یزرع افتاده است و هیچ نتیجهٔ از آن گرفته نمیشود و بنده شنیدم بعضی از اطراف آنرا هم که دائر و آباد کرده اند زراعت فوق العاده خوبی میدهد . خوب ما که همه روزه خرجمان زیاد میشود پس دولت در آبادی و عایدات مملکت باید اهمیت بدهد این لایحه را جلو بیندازیم تا بر عایدات مملکت افزوده شود و چون اراضی خوار نزدیك بطهران است در آتیه این کار برای ارزاق طهران اهمیت فوق العاده دارد و چیزی که هست باید وقتی که داده میشود معین شود و مراعات گردد که حق مردم هم در ضمن ازبین نرود . به این ملاحظه بنده این پیشنهادرا کردم

رئیس – آقای یاسائی

یاسائی – مقصود بنده این است که ایشان آقای فیروز آبادی راجع به اصل قضیه بود یا راجع به اینکه راپورت کمیسیون راجع به هوا پیمائی جزء دستور نشود

رئیس – ایشان در دستور پیشنهاد کرده بودند که راپورت کمیسیون راجع به کویر خوار جزء دستور شود مایشان مجال داده شده بود که در پیشنهاد خودشان مذاکره بفرمایند رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروز آبادی موافقین قیام فرمایند

(یکی دو نفر برخاستند)

رئیس – تصویب شد.

یاسائی – اجازه میفرمائید.

رئیس – بفرمائید.

یاسائی – مباحثه بر این است یعنی مطابق نظامنامه که مجلس خودش باید دستورش را تغییر بدهد ولو اینکه وزراء هم با هم موافقت کنند بالاخره رأی مجلس قاطع است. دستور مجلس لایحه دخانیات است حالا که وزیر تقاضا میکند که دستور مجلس تغییر کند بعقیدهٔ بنده محتاج به رأی مجلس است.

رئیس – بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است که خیلی از وقت ها شده است که در دستور آقایان وزراء یك چیز هائی را معتقدند بگذاریم اگر مخالفتی نشد ما مثل قبول تلقی میکنیم و اگر مخالفتی شد رأی میگیریم اگر آقا با این مسئله مخالف هستند بایستی رأی بگیریم.

یاسائی – بنده مخالفتم.

رئیس – بفرمائید

یاسائی – بنده مخالفتم نه ازنقطهٔ نظر این است که با آن قسمت مخالف باشم از این نظر مخالفت میکنم که منتهی به رای بشود که این سابقه محفوظ بماند

رئیس – آقای رفیع

رفیع – عرض کنم بطوریکه مقام ریاست تذکر دادند خود آقا هم سابقه دارند که پس از مخالفت باید رای گرفت لایحهٔ دخانیات جزء دستور بود و آقای وزیر پست و تلگراف با موافقت آقای وزیر مالیه تقاضا کردند که اینلایحه چون متضمن اهمیت است و میخواهند پس از عید به آن اقدام کنند جزء دستور شود و حاهم موافقت کردیم و اصلی هم ندارد چون شور اول است ما هم موافقت میکنیم که جزء دستور شود بعد از این خبر کمیسیون راجع به دخانیات مطرح شود

رئیس – موافقین با در دستور بودن لایحه پست قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس – تصویب شد. خبر کمیسیون قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون پست و تلگراف لایحه نمره ۱۶۴۶ دولت را راجع به قرارداد پستی منعقده در کنگره پستی...

بعضی از نمایندگان – این نیست.

(خبر کمیسیون پست و تلگراف راجع بتأسیس خط هوائی بین طهران و مشهد بشرح ذیل خوانده شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی:

کمیسیون پست و تلگراف لایحه نمره ۱۷۷۷۷ دولت را راجع بتأسیس خط هوائی بین طهران و مشهد و واگذاری حمل پست هوائی خط مزبور به کمپانی هوائی یونکرس تحت شور و مداقه قرار داده و ماده واحده ذیل را تنظیم و برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم می دارد.

ماده واحده – مجلس شورای ملی بوزارت پست و تلگراف اجازه میدهد که حمل پست هوائی خط طهران به مشهد را به کمپانی هوا پیمائی یونکرس واگذار نماید که کلیه محمولات پستی طهران به مشهد و بالعکس و نقاط عرض راه را اقلا هفته یك مرتبه در مدت یکسال حمل کرده و اضافه نرخ پستی را که در محمولات پست هوائی در این خط و خطوط پهلوی بو قصر و بوشهر اخذ می شود بدون اینکه محدود بحدود مذکوره در ماده پنجم قانون ۲۰ بهمن ۱۳۰۴ باشد پس از وضع مخارج اداری در مقابل حمل و نقل پست ها در خطوط مذکوره دریافت کند.

توضیح آنکه سایر شرائط راجع بحمل پست های هوائی خط طهران مشهد بر طبق مقررات قرار دادی خواهد بود که راجع بخطوط طهران – پهلوی – طهران – قصر و طهران بوشهر بین وزارت پست و تلگراف و مؤسسه یونکرس منعقد گردیده است

بدیهی است کمك خرج فرسخی سه قران که درماده سوم قانون هوا پیمائی مورخ ۲ بهمن ۱۳۰۴ مذکور است به این خط تعلق نخواهد گرفت.

رئیس – خبر کمیسیون بودجه قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

کمیسیون بودجه بتاریخ فوق تشکیل و لایحه نمره ۱۷۷۷۷ دولت را در باب تأسیس خط هوا پیمائی بین طهران مشهد مطرح نموده و ماده واحده را که در کمیسیون پست و تلگراف با موافقت وزیر تهیه شده بود عیناً تصویب نموده ولی پیشنهاد مینماید که جمله آخر ماده بطریق ذیل اصلاح شود

توضیح آنکه سایر شرایط راجع به حمل پست های هوائی خط طهران – مشهد بر طبق مقررات قرار دادی خواهد بود که راجع بخطوط طهران – پهلوی و طهران قصر وطهران – بوشهر درحدود قانون ۲۰ بهمن ۱۳۰۴ بین وزارت پست و تلگراف الی آخر ماده

رئیس – مادهٔ واحده مطرح است. آقای کازرونی

کازرونی – بنده البته با این لایحه موافقم بلکه عملیات دولت راهم تقدیر میکنم که در تهیه موجبات ترقی و پیشرفت امور دقیقهٔ فروگذار نکرده ونمیکنند لیکن یك نکته لازم بود تذکر بدهم و یقیناً آقای وزیر پست و تلگراف هم موافقت خواهند کرد وآن راجع به مسافرین است هرچند مسافرین یك مردمان عادی هستند که آزادانه و به اختیار خودشان اباب و ذهاب با طیاره میکنند ولیکن نظر باینکه طیاره رقیبی در مقابل خود ندارد ومحدود به یك مؤسسه است در موقعی که مردم احتیاج پیدا کردند با طیاره اباب و ذهاب کنند پول را که مردم میدهند مثل این است که دولت میدهد چه فرق است فیابین دولت و مردم البته تمام عملیات دولت راجع به ترقیه حال مردم و آسایش خیال عامه است این نکته را هم البته باید منظور بدارند که مؤسسهٔ یونکرس نظر به آن آزادی مطلقهٔ که داود ونظر باینکه هیچ رقیبی در مقابل خودش نمی بیند یك تعدی و تجاوزی نسبت به مسافرین میکنند و بنده اطلاع دارم که در یکی دو سه مورد این مؤسسه نسبت به مردم تعدی کرده است و موضوعش یك چیز هائی بود که البته اگر یك کسی همت میکماشت بایستی مراجعه به عدلیه بکنند و آنها را به محاکمه بکشد ولکن همهٔ مردم حاضر نیستند و وقتشان را بیش از این قیمت بهش میدهند که بروند برای یك مبلغ های خیلی نا قابلی شکایاتی بکنند در هر صورت بنده میخواستم تکلیف بکنم به آقای وزیر پست و تلگراف که در خصوص مسافرین هم یك قرار داد هائی با آنها منعقد کنند که بعد از این مردم دچار بعضی مشکلات و تجاوزات این مؤسسه نشوند

وزیر پست و تلگراف – آقای کازرونی بهتر می دانند که این مؤسسه در صورتیکه آزاد است مجبور است موافق ماده ۶ قانونی که از مجلس گذشته است ترتیب مسافرت و محمولات را توسط وزارت پست و تلگراف بدهد و این کار هم بعمل آمده است. خاطرنان مسبوق است که مؤسسهٔ یونکرس دراینجا عایدات خیلی زیاد ندارد و دولت هم آن مخارجی را که به او میداد یعنی علاوهٔ هائی را که میداد برای یکسال و نیم در دوخط به انتها رسیده است و سه سال دیگر بدون اینکه ازما یك چیز هائی بگیرد باید این پست ها را حمل کند. راجع به این مسافرین هم ما حق نداریم بگوئیم کمتر از آنچه با دولت قرار داده است بگیرد برای اینکه یك مؤسسه منحصری است و مخارج زیادی هم دارد لکن مطابق اطلاعاتی که بنده دیروز پیدا کردم فهمیدم در تمام خطوط یك تخفیفاتی قائل شده است وبه بنده وعده کرده اند و بنده هم برحسب وعدهٔ آنها به آقا وعده میدهم که اسباب رفاهیت مردم را فراهم کنند ولی اگر تعدیاتی فرمودید نسبت به مردم کرده است حقیقةً این قضیه ضررش متوجه مردم است مردم باید به بینند هر جائی که بهتر پیشرفت میکند رجوع کنند به وزارتخانه رجوع کنند اگر دیدند درآنجا کار پیشرفت نکرد وبوسیله وزارتخانه کار حل نشد البته باید به وزارت عدلیه مراجعه کنند. خواهشمندم اگر بعد از این یك همچو چیزی شنیدید مردم را سوق بدهید که بروند به عدلیه یا به وزارتخانه شکایت کنند.

جمعی از نمایندگان – مذاکرات کافی است

رئیس ـ رأی گرفته میشود به شور دوم موافقین قیام فرمایند .

(عدهٔ زیادی قیام نمودند)

رئیس ـ تصویب شد . خبر دیگر کمیسیون پست و تلگراف مطرح است .

وزیر مالیه ـ اجازه میفرمائید .

بعضی از نمایندگان ـ این خبرهم مختصراست مطرح شود

(خبر کمیسیون پست و تلگراف راجع به قرار داد پستی کنگره استکهلم بشرح ذیل خوانده شد)

خبر از کمیسیون پست وتلگراف به مجلس شورای ملی :

کمیسیون پست و تلگراف لایحه نمره ۱۶۴۶ دولت را راجع بقرار داد پستی منعقده در کنگره پستی استکهلم تحت شور و مداقه قرار داده و ماده واحده پیشنهادی را بطریق ذیل تنظیم و برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی قرار داد پستی عمومی و مقاوله نامه مراسلات و جعبه های پا قیمت و مقاوله امانات پستی را که در تاریخ ۲۸ اوت ۱۹۲۴ مطابق پنجم سنبله ۱۳۰۳ در کنگره پستی استکهلم منعقد و بشرح ذیل تنظیم یافته تصویب مینماید .

اول ـ قرار داد پستی عمومی دارای ۸۰ ماده و برات الفول نهائی آن شامل ۱۲ ماده و نظامنامه اجرای قرار داد مزبور مشتمل بر هشتاد و شش ماده و برات الفول نهائی آن حاوی شه ماده

دوم ـ مقاوله نامه های راجع به امانات پستی دارای ۵۲ ماده و پرتکل نهائی آن شامل ۹ ماده و نظامنامه اجرای مقاوله نامه امانات پستی حاوی ۴۹ ماده پرتکل نهائی آن متضمن یکماده

سوم ـ مقاوله نامه راجع به مرسولات و جعبه های با قیمت دارای ۳۳ ماده و پرتکل نهائی ان شامل یك مادهٔ و نظامنامه اجرائی مقاوله نامه مزبور مشتمل بر ۱۷ ماده .

رئیس ـ ماده واحده مطرح است .

آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب ـ بنده اجمالا به آقای وزیر عرض میکنم که بنده این مسئله را تصدیق دارم ولی یك چیزهائی است که باید عمل شود این قرار دادها ۱۰ـ۲۰ـ۳۰ ماده است لامحاله این مواد را برای استحضار نمایندها که بدانیم چه چیز است طبع کنند و بیاورند تا این که لا اقل اعضاء کمیسیون مستحضر شوند یك چیز هائی است که بنده هیچ چیزش را نمی فهمم حالا چرا بنده دیپلمات نیستم چرا نرفته ام خارجه که آنها را بفهمم چه عرض کنم وبنده یك ایرانی هستم و نمیدانم چه چیز است ونا اینکه منتشر نشود و مطلع نشویم بنده مخالفم

نجومی ـ (خبر کمیسیون پست وتلگراف) ـ عرض کنم اظهار آقا البته صحیح است ولی دولت این کار را کرده است تمام این مواد را فرستاده است درکمیسیون و رسیدگی شده است ولی چون خیلی زیاد بود از این جهت طبع نشد وصورت آن مواد خدمت خود شان هست ممکن است بگیرید و ملاحظه فرمائید

رئیس ـ آقای روحی

روحی ـ موافقم

رئیس ـ آقای کازرونی

کازرونی ـ موافقم

رئیس ـ آقای احتشام زاده

احتشام زاده ـ اینکه دولت ایران دخالت کند در این قرار داد بنده مخالفی ندارم ولی نظر به اینکه نمایندگان نسبت به این قرارداد مطابق این ماده واحده باید نظر کنند و رأی بدهند بنده معتقدم مطابق معمول کلیهٔ قرار داد ها این قرار دادها را هم طبع کنند و برای اطلاع کامل آقایان نمایندگان توزیع کنند که برای شور ثانی لا اقل مستحضر باشند و با اطلاع کامل رای بدهند

مخبر ـ عرض کنم در این مواد بحیاك نمیکنم ایرادی باشد برای اینکه این مواد چند سال است اجرا شده و این کار تمام شده است وبعلاوه این قراردادها به

امضای چندین دولت رسیده است و این کار دو ماه دیگر برایش منقضی میشود و بقدری این امر فوری است که اگر امروز تمام نشود به تاخیر میافتد و تأخیرش هم خوب نیست و بنده تصور میکنم آقا موافقت بفرمایند که این کار تصویب شود و بعد اگر شخصاً علاقه مند هستند که این کار بکنند و این قرار دادها را به بینند ممکن است تشریف بیاورند بکمیسیون و این مواد را ملاحظه بفرمایند .

رئیس ـ آقای یاسائی

یاسائی ـ یك مذاکراتی میشود دراطراف یك موضوعی که خود آن موضوع را باید اول حل کرد اگر یك قراردادی در استکهلم منعقد شود و دولی امضاء کردند به بنده و چنابعالی کاری ندارد ما باید این لوایحی که از طرف دولت می آید به مجلس به بینیم و رای بدهیم ولو برای یك روز هم باشد . بنده خیال میکنم که همین طور که آقای احتشام‌زاده اظهار کردند این قرار داد ها طبع شود (چون وقت کم است البته مطبعهٔ مجلس سعی میکند که زود تر و فوری برای شور دوم طبع و توزیع شود و لو اینکه در موادش نظری نداشته باشیم لا اقل به بینیم

وزیر پست و تلگراف ـ قرار داد هائی را که آقا میفرمایند تقریباً چند صد ماده است و همین است که بنده داده ام ترجمه کرده اند و در کمیسیون هم گذاشته ام و موادش را هم آقایان دیده اند و تصدیق میفرمائید که قابل جرح و تعدیل نیست بعلت اینکه نمایندهٔ ما قبول کرده است و مدتی است در جریان است حالا اگر چنانچه مجلس شورای ملی بخواهد این کار را بکند این اولا چهار صد پانصد تومان خرج دارد و بعلاوه تقریباً پنجسال از تاریخ انعقاد آن میگذرد و دوماه تقریباً مانده است و برای این دو ماه اگر بخواهد مجلس چهارصد پانصد تومان خرج بکند بنده عرضی ندارم ولی تصدیق بفرمائید که تا یك ماه دیگر این قرار داد اگر بتصویب مجلس نرسد و نمایندهٔ ما هم در آنجائی که باید برود دیرتر برود و نرسد بضرر ما خواهد بود . اگر آقایان موافقت بفرمایند بهتر این است که آقایان که مایل هستند و لازم میدانند مراجعه بفرمایند و عین آن کتاب را ملاحظه کنند اگر قانع نشدند برای شور دوم بفرمائید طبع شود .

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است .

رئیس ـ رأی گرفته میشود به شور ثانی این ماده موافقین قیام فرمایند .

(اغلب بر خاستند)

رئیس ـ تصویب شد . خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به دخانیات مطرح است .

(بشرح آتی خوانده شد)

خبر ازکمیسیون قوانین مالیه به مجلس مقدس شورای ملی راجع به انحصار دخانیات .

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۴۴۶۶۱ دولت را راجع به انحصار دخانیات با حضور نمایندهٔ دولت تحت شور ومداقه قرار داده وبا توافق نظر دولت بشرح ذیل راپورت آنرا تنظیم و تقدیم مجلس مقدس مینماید

ماده اول ـ از تاریخ تصویب این قانون حق وارد و صادر کردن و خرید و فروش و تهیه و نگاهداری و حمل و نقل اجناس دخانیه و انواع کاغذ سیگار در کلیهٔ مملکت منحصر به دولت است و این انحصار موسوم به انحصار دولتی دخانیات خواهد بود نگاهداری و بکار انداختن ادوات توتون بری مختص بمؤسسه انحصار است و هیچ کسی بدون اجازهٔ مؤسسه مزبوره حق آنرا نخواهد داشت و مؤسسهٔ انحصار باید کلیهٔ ادوات موجوده توتون بری که اجازهٔ نگاهداری و بکار انداختن آنرا بکسی نداده است یا اجازه داده و بعد سلب نموده از صاحبان آنها بقیمت عادله خریداری نماید

ماده دوم ـ مبالغ ذیل بعنوان حقوق انحصار به اجناس دخانیه تعلق میگیرد

اولا ـ دخانیات محصول داخلی

ا ـ توتون سیگار و سایر اجناس دخانیه که با توتون

سیگار برده میشود و توتون چپق نیم کوب که درسیگار یا چیکاره کشیده میشود از قرار یك من سه تومان

ب ـ توتون چپق اشنو سلوانه حرمی .. لاهیجان ساوجبلاغ و توتونهای مشابه آن

سال اول ۵ قران
سال دوم ۸ قران
سال سوم ۱۲ قران

ج ـ توتون چپق سنندج کرمانشاهان محال ساوجبلاغ و توتونهای مشابه آن

سال اول ـ ۳ قران
سال دوم ـ ۵ قران
سال سوم ـ ۸ قران

د ـ توتون چپق سقز وبانه ـ همدان ـ دهخوارقان نهاوند ـ توبسرکان اطراف طهران و توتونهای مشابهٔ آن

سال اول ـ ۲ قران
سال دوم ـ ۳ قران
سال سوم ـ ۵ قران

ه ـ دمار سیگار ۲ قران

و ـ کلیه اقسام تنباکو سال اول ۱٫۵ قران
سال دوم ۲ قران
سال سوم ۳ قران

ز ـ چوب قلیانی ۱ قران

ثانیاً ـ انواع توتون و سیگارت و سیگار های خارجه و اقسام کاغذ سیگار صدی پنجاه از قیمتی که وارد شده یعنی مجموع قیمت و حقوق گمرکی که پرداخته شده است

ماده سوم ـ کلیه مالکین اجناس دخانیه مکلفند همه ساله اولا مقدار محصول برداشتی خود را اظهار نمایند

ثانیاً ـ پس از آنکه اجناس آنها قابل حمل واستفاده تجارتی گردید بانبار هائی که دولت معین میکند حمل و وارد کنند و حمل آن به انبار های مؤسسه نباید بیش از ششماه از تاریخ برداشت محصول طول بکشد.

ماده چهارم ـ در هرجا نسبت به آن نوع از اجناس دخانیه که دولت حق انحصار خود را مجرا داشته یعنی خرید و تهیه و فروش و غیره را خود در دست گرفته مالکین مکلفند اجناس خود را بمؤسسه انحصار دخانیات بفروشند و قیمت را مؤسسه انحصار نقداً پرداخت خواهد نمود در سال اول اجرای این قانون حد اقل قیمت خرید اجناس دخانیه میزان متوسط قیمتهای معموله در پنج ساله اخیر قبل از اجرای این قانون بر طبق دفاتر تجار با ملحوظ داشتن کرایه خواهد بود و از سال دوم اجرای انحصار به بعد همه ساله مؤسسه انحصار دخانیات با درنظر گرفتن وضعیت بازار نرخ سال جدید را تعیین و یکماه قبل از برداشت محصول در هر محل اعلان خواهد نمود

ماده پنجم ـ دولت مجاز است با اخذ حقوق انحصار مذکوره در ماده ۲ از صاحبان اجناس دخانیه تهیه و تجارت یك قسمت یا تمام اجناس دخانیه را بموجب جواز مخصوص آزاد نماید.

مادهٔ ششم ـ هر گاه جنس دخانیه بعد از پرداخت عوارض مقرره در این قانون یا تضمین آن (بوسیله وجه نقد یا سند یا ضمانت معتبر یا مال الضمانه) برای صدور بخارجه حمل شود پس ازارائهٔ تصدیق صدور از ادارهٔ مربوطه عوارض ماخوذه یا وسائل تضمن مذکور در فوق مسترد خواهد شد

ماده هفتم ـ صاحبان توتون سیکار وانواع سیکارهای موجود در تاریخ تصویب این قانون مکلفند صورت موجودی خود را اظهار نمایند تا بقیمت عادله از آنها خریداری شود ـ یا با اخذ حقوق انحصار مذکور در ماده ۲ جواز تجارت آزاد آن داده شود در صورتیکه توتون سیکار موجود در تاریخ تصویب این قانون مالیات معمول قبل از اجرای این قانون را نادیه نموده باشد فقط مابه التفاوت مالیات پرداخته شده وحقوق انحصار دریافت خواهد شد

تبصره ـ کلیهٔ سیگار های پیچیده و نا پیچیده من توتون سیگار پرده حاضر برای مصرف از نادیه ما به التفاوت مالیات معمول سابق و حقوق انحصار معاف خواهد بود

ماده هشتم ـ مجازات متخلف از مفاد مواد ۱ و ۳ و قسمت اول ماده ٤ این قانون و همچنین مجازات هر نوع قاچاق که در موضوع دخانیات ارتکاب شود همان است که برای مرتکبین قاچاق مقرر است

ماده نهم ـ برای سرمایه مؤسسه انحصار دخانیات مجلس شورای ملی مبلغ دو میلیون تومان اعتبار بوزارت مالیه اعطا مینماید

ماده دهم ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود که برای مخارج اداری سال اول مؤسسهٔ انحصار دخانیات مبلغی را که از صدی ده عوائد سالیانهٔ دولت از آن مبلغ تجاوز ننماید مصرف نماید

ماده یازدهم ـ قانون مالیات دخانیات مصوب ٦ دیماه ۱۳۳۳ وقانون اصلاح مالیات دخانیات مصوب ۲۷ حوت ۱۳۰۳ ملغی است

ماده دوازدهم ـ وزارت مالیه مجاز است مبالغی را که در سنوات ۱۳۰٤ ـ ۱۳۰۵ ـ ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بابت مالیات های مقرره بموجب قانون اصلاح قانون مالیات دخانیات مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۰۳ بطورعمومی موقوف المطالبه گذارده است قطعاً بتخفیف منظور دارد

ماده سیزدهم ـ وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون و تهیهٔ نظامنامهٔ آن است

رئیس ـ بقراری که خاطر آقایان مطلع است این لایحه یك فوریتی است و به فوریت اولش رای گرفته شده است.

مذاکره در کلیات است. آقای یاسائی

یاسائی ـ بنده عرضی ندارم.

رئیس ـ آقای محمود رضا

محمود رضا ـ عرضی ندارم.

فیروز آبادی ـ بنده هم اجازه خواسته ام

رئیس ـ شما مؤخرید. آقای طاهری

طاهری ـ عرضی ندارم

رئیس ـ آقای احتشام‌زاده

یکنفر از نمایندگان ـ بیستند.

رئیس ـ آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی ـ بنده امید وارم انشاء الله یك روزی برسد که عایدات مشروح دولت ایران به هزار میلیون برسد...

بعضی از نمایندگان ـ انشاء الله

رئیس ـ آقای فیروز آبادی یك قدری تامل بفرمائید. عده کافی نیست.

(در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان وارد مجلس شدند)

رئیس ـ بفرمائید.

فیروز آبادی ـ بنده امیدوارم انشاء الله یك روزی برسد که عایدات مشروع دولت ایران به هزار میلیون برسد اما امروز بنده عقیده ندارم که ما دیگر تحمیل جدیدی باین مردم بکنیم بلکه عقیده ام این است که هر تحمیل جدیدی که بمردم بکنیم بضرر ما تمام میشود نه به نفع ما برای اینکه مردم فقیرند و بی چیزند و روز بروز بر فقر و فاقه آنها افزوده میشود ملت که فقیر شد همه قسم ضرر برای دولت دارد دول خارج که فرضاً مثل فرانسه یا دیگری که سالی هزار میلیون ، دوهزار میلیون عایدات دولتشان است برای چیست ؟ برای این است که ملت آنها صاحب ثروتند ، برای اینکه معادن آنها مستخرج است برای اینکه صنایع و فلاحتشان هر چه دارند در رواج است و در اعلی مرتبه ترقی است اما ما آنها را داریم و در صدد اصلاح آنها بر نمی آئیم . بارها عرض کرده ام که مثلا ما هنوز یك کار خانه آهك سازی نداریم ، هیچ نداریم همه روزه هم می آئیم اینجا وتعریف میکنیم که همه چیز داریم ولی بنده عرض میکنم که هیچ چیز نداریم برای اینکه چیز آنست که عایدی پیدا کند نه اینکه عایدی را از اشخاص بگیریم و صرف این چیز ها بکنیم ، عایدی آن است که فرضاً از این کوهها در بیاوریم ، صنایعمان را همه روزه تشویق کنیم ، فلاحتمان را تشویق کنیم ، و از این چیز ها هرچه در بیاوریم عایدی مملکت است و سایر چیز ها را بنسبه عایدی نمیدانم بلکه در

واقع تکدی بزور میدانم و بنده به این اندازه بودجهٔ که داریم هرچند متاسفانه رائی که دیروز داده شد به یک بودجه بود که شش هفت کرور تومان باقی داشت که از سالهای بعد باید بدهیم در صورتیکه ما همیشه باید در صدد آنیم که متناسب عایدات خودمان را آماده کنیم و از آنها عایدی بگیریم و بهر کاری که میخواهیم بزنیم اما در صورتیکه امروز آنقدر مردم فقیرند یک مالیات جدیدی بنده عقیده ندارم بهیچ عنوان بهیچ قسم به مردم تحمیل بکنیم. دیشب یک عده خدا میداند ساعت سه و نیم از شب گذشته با حال وحشتناکی آمدند سراغ ما گفتم خوب شما هم وحشت نداشته باشید برقیمت اضافه میکنید و از مردم میگیرید گفتند آخر چه میشود و چه میشود بعد با یک ترتیبی بالاخره رفتند. غرضم این است که ما باید همه روزه در نزدیک عوائد بگوئیم اما از راههای ممنوع نه از راه گرفتن از مردم. یکی دیگر اینکه این جا نوشته است که دو میلیون اعتبار داده میشود ما دیگر پول نداریم مبلغی هم باز دیروز مقروض شدیم خوب این دو میلیون اعتبار محلش کجا است و از کجا گرفته میشود. در صورتیکه سه میلیون و نیم کسر داریم. به این ملاحظه بنده با این لایحه مخالفت دارم هرچند از آقایان هم امیدواری دارم ولی با این امیدواری آقایان با عقیدهٔ من همراهی نمیکنند و من باز عقیدهٔ خودم را عرض می کنم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب — باز نهایت تاسف خودم را اظهار میداریم که در یک موضوعی با حضرت آقای فیروز آبادی اختلاف نظر پیدا کردم مسائل سیاسی مثل مسائل اجتهادی است مسائل اجتهادی ایراد بر یکدیگر نیست هر کس یک ادلهٔ در نظرش هست. مطابق آن ادله عقیده خودش را اظهار میکنند. بعد از آنکه بفرمایش خودتان دیروز ما آمدیم در اینجا یعنی در مجلس شورای ملی و در کمیسیون بودجه تشخیص دادیم که یک مخارجی برای مملکت هست از حیث صحیه از حیث معارف از حیث استقلال و حیثیات خارجه اش یک مخارجی دارد و این را مجلس شورای ملی تشخیص داد و حکومت کرد حکومتش این بود که نود و هشت رای به آن بودجه داد وقتی که این خرج را برای مملکت لازم دید ناچار است بیاید راهی برای جبران این خرج پیدا کند و برای جبران این خرج به عقیده بنده این راه بهترین راه است زیرا اینجا وضع مالیات بر یک چیزی میشود که از فضول معیشت است اگر وضع مالیات بر یک چیزی بود که بر اصول معیشت و زندگانی توده تحمیل میشد بنده کاملا مخالف بودم و میگفتم حتی از صحیه و شاید از معارف که امر لازمی است از آنها تنزل کنیم و جای کسر را از آنجا پر کنیم ولی این یک موضوعی است که اگر اصل دخانیات هم از بین برود یک سمی از مملکت گرفته شده است. آقای فیروز آبادی شما که اهل قلیان نیستید الحمد الله سینه تان صاف است و نمیدانید ولی ما ها میدانیم که اصل این دخانیات چه سمی است برای صحت مزاج مردم و صحت حال مردمی که دارای افکار عالیه و استقامت فکر هستند و استقامت در کار دارند. اگر ما مالیات را بقدری در این تنباکو و توتون وضع کنیم که بکلی هم توتون و تنباکو از بین برود و عوضش زراعتهای دیگر بکنیم خیلی خوب است زیرا این یک جنسی نیست که اگر از دست ما برود بگوئیم در اساس زندگانی ما یک تزلزلی پیدا شده است پس این عایدات یک طوری است که وضع مالیات بر اصول معیشت نیست و ما محتاج بان نیستیم. این یک چیزی است که باصطلاح متجددین لوکس و باصطلاح بنده و جنابعالی تفریح و تجمل است و بعقیده بنده هر قدر از این راه ما بتوانیم جبران خرجهان را بکنیم خیلی خوب است. بنده خیلی مایل بودم که آقای وزیر مالیه در این مقام بیایند ولایحه وضع مالیات را بر چیزهائی که زندگانی ما را از زندگانی بسیط خارج کرده است و برده است به یک زندگانی پر تکلف در معیشت بیاورند. اینها یک چیزهائی است که در اصول معیشت ما هیچ مدخلیت ندارد حالا چسبیده اند بعربت را همچو کن

بایند را همچو بکن. هرچه مالیات براین قبیل چیزها وضع شود و خرج امنیه وصحیه ومعارف بشود و صرف مزایا و حیثیت مملکت و آبرومندی ملت ومملکت بشود نباید هیچ مخالفت بکنیم. نظر به این دو مقدمهٔ که عرض کردم ودیروز مجلس شورای ملی حکومت کرد که ما این مخارج را لازم داریم یعنی نود و هشت رأی داد که ما این مخارج را لازم داریم پس ناچار است این مخارج را جبران کنند وبهترین راه جبران هم این است که مالیات را بریک چیزهائی وضع کنند که دراصول معیشت توده مدخلیت ندارد. حالا در بعضی مواد یک اصلاحاتی لازم است چنانچه اعضاء محترم مجلس هم در فراکسیون تشریف داشتند و عرض کردم بنده نظر دارم اصلاحاتی بشود ولی در اصل و اساس مسئله اکثریت هم رای میدهد و البته مخالفی هم نیست

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است

رئیس — رای میگیریم به ورود در شور مواد آقایانیکه موافقند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده اول قرائت میشود

(بمضمون سابق خوانده شد)

رئیس — آقای روحی

روحی — بنده موافقم

رئیس — آقای شریعت زاده

شریعت زاده — موافقم

بعضی از نمایندگان — مخالفی نیست

رئیس — رای میگیریم به ماده اول آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد ماده دوم

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس — آقای روحی

روحی — بنده موافقم

رئیس — آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری — بنده خواستم سؤال کنم که در قسمت (ب) که مینویسد توتون چپق اشنو سلوانه جزء یا جزء این دو محل گویا اصلا موهوم است ومحل معلومی نیست شاید اشتباه شده باشد برای اینکه بطوریکه تحقیق شد اسم این دو محل را کسی نشنیده و ممکن است پس از تصویب مجلس اسباب زحمت بشود شاید اسم دیگری بوده است واز قلم افتاده یا در طبع اشتباه شده باشد خوب است این موضوع توضیح داده شود که در آتیه اسباب زحمت نشود.

وزیر مالیه — بعضی از آقایان هم به بنده مراجعه کردند و سؤال کردند که آیا اینجا اشتباهی در طبع شده است یا نه؟ بنده برای اینکه یک جواب قطعی داده باشم از ایشان خواهش کردم که صبر کنند تا یک توضیحاتی بخواهم خود بنده آنچه بخاطرم می آید سلوانه است ولی ممکن است اشتباهی هم شده باشد بهر صورت الان تحقیق میکنم و اطلاع میدهم. در هر حال ممکن است آقایان به ماده رأی بدهند و قبل از اینکه به کلیات رأی گرفته شود اگر اصلاحی لازم باشد بنده اینجا عرض میکنم که اصلاح شود.

رئیس — آقای اورنگ

اورنگ — بنده فقط خواستم از آقای مخبر استفسار کنم که این چوب قلیانی میانه قلیان است؟ یکی یک قران است؟ یکمن یک قران است؟ یکی یکشاهی است؟...

بعضی از نمایندگان — میانه قلیان نیست، جنس تنباکو است.

اورنگ — جنس تنباکو است؟ این را دلم میخواست توضیح بدهند

مخبر — چوب قلیانی جنس تنباکو است ویک تنباکوی مخصوصی است که در بعضی جاها هست و در آنجاها معروف به چوب قلیانی است و یکمن یک قران است.

رئیس — آقای شریعت زاده

شریعت زاده — بنده نسبت به یک جملهٔ این ماده به عنوان مخالفت میخواهم عرض کنم اینجا یک چیز هائی

است که از توتون سیگار و چپق و تنبا کو استخراج میشود که حتی الامکان باید سعی کرد از تجاوز آن و داخل شدن آن در توتون ها ممنوع شود در صورتیکه این قانون بطریقی وضع شده است که آن را ترویج میکند. یکی دمار سیگار از آن چیزهائی است که داخل شدن آن در توتون خیلی بد است و بنده خواستم عرض کنم این مبلغی که اینجا برای آن معین شده باعث ترویج آن و تخریب وفساد جنسی میشود و بنده معتقدم که دولت موافقت کند پنجقران بشود که استعمال این جنس از بین برود. دیگر چوب قلیانی که او هم همین حال را دارد وقتی که ارزان شد ترویج میشود و باعث فساد جنس است و بنده معتقدم مبلغی هم به آن علاوه کنند.

وزیر مالیه - این نظریکه آقای شریعت زاده اظهار فرمودند به عقیده بنده علی الاصول صحیح است وخود بنده هم در پیشنهاد اولی که از طرف دولت تقدیم کردم نرخ دمار و چوب قلیانی از این بیشتر بود. ولی از آن طرف یك نکته ایست که باید به آن توجه کرد مخصوصاً راجع به دمار سیگار این دمار سیگار یك چیزی است که دفع نمیشود قابل دفع نیست چیزی نیست که ما بگوئیم نکارند این یك چیزی است که در هر برگ توتون هست و برای اینکه از این قسمت مردم یك استفاده هائی کرده باشند آنرا داخل یك توتونهائی میکنند ومصرف میکنند واین عادت بوده است. آقایان هم درکمیسیون بابنده مذاکره کردند بعدهم با رفقای دیگر درخارج مذاکره کردیم توافق نظر به این ترتیب حاصل شد و چون توافق نظر حاصل شد این کار را کردیم و بنده میل ندارم که این مطلب دو باره تجدید شود و یك صورت دیگری پیدا کند و از آقای شریعت زاده هم تمنی میکنم در این ترتیب با بنده موافقت بفرمایند چون به این ترتیب با رفقا در خارج توافق حاصل شده است دیگر تغییری درش داده نشود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتم در این ماده راجع به توتون سیگار است که یکمن سه تومان مالیات برایش معین شده است در هر امری بنده عقیده ام این است که در ابتدا مطلب را سهل وساده بگیرند که برای مؤدیان مالیات سنگین نباشد و سهل القبول باشد بعد اگر خواستند بیفزایند مسئله دیگری است سال اول سه تومان خیلی زیاد است بنده در اصل هم مخالفم ولی چاره ندارم این است که معتقدم لا اقل این سه تومان را کم بکنند و پانزده قران کافی است.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - عرضی ندارم

رئیس - آقای ناصری

ناصری - عرضی ندارم

رئیس - آقای طالش خان

طالش خان - عرض کنم بنده از آقای مخبر سؤالی دارم نوشته شده است راجع به توتون چپق سال اول پنجقران دوم هشت قران سوم دوازده قران سال چهارم را دیگر معین نکرده اند میخواهم به بینم دیگر بیشتر نخواهد شد؟ اگر میشود سال بعد را هم معین کنند.

مخبر - در لایحه دولت چهار سال و پنج سال هم معین شده بود ولی درکمیسیون اینطور توافق نظر حاصل شد که در سه سال این مبلغ اضافه شود و بعد از سال سوم دیگر این مطلب قطعی شود و بعد بهمان میزانی باشد که در سال سوم گرفته شده.

رئیس - آقای حاج امین

حاج میرزا حبیب الله امین - یك اصلاح عبارتی است که لازم است عرض کنم. اینجا مینویسد انواع توتون و سیکارت و سیگار های خارجه و اقسام کاغذ سیگار صدی پنجاه از قیمتی که وارد شده. بعد نوشته شده یعنی مجموع قیمت و حقوق گمرکی که پرداخته شده و باید نوشته شود از مجموع قیمت

وزیر مالیه - اینجا مقصود این بوده که معین شود

قیمتی که وارد شده درش پرداخت حقوق گمرکی هم هست یعنی اگر یك سیگار خارجی وارد میشود این صدی پنجاه که معین شده است حقوق گمرکی هم که در سرحد میدهد آنرا هم روی سایر مخارج بکشند و از کلیه قیمت صد پنجاه بگیرند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

پور محسن - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

پور محسن - اعتراض بنده در این ماده در دو قسمت است یکی در قسمت (ب) و یکی در قسمت (و) در لایحه پیشنهادی دولت پنجسال مقرر داشته و آخرین قیمت را ده قران قرار داده بودند. در اینجا در خبر کمیسیون قوانین مالیه خواسته اند یك ارفاقی قائل شوند بعکس تضییق قائل شده اند سه سال معین کرده وآخرش را دوازده قران. خواستم آقای مخبر توضیحی در این باب بدهند. یکی هم در قسمت (و) راجع به تنبا کو که درنقاط مختلف ایران مثل توتون چپق معتادین محصول همانجا را مصرف میکنند. آقای وزیرمالیه هم درفراکسیون وعده فرمودند راجع به این موضوع توجهی بفرمایند مثلا در عراق، نهاوند، ملایر، بروجرد، قسمت عمده معتادین محصول همانجا را استعمال میکنند وقیمتش از پانزده تومان و بیست تومان تجاوز نمیکند در خروار و برای اقسام تنبا کو های تمام مملکت در اینجا یك قیمت معین کرده اند و فرقی بین تنبا کوی خوب و بد نگذاشته اندو این خودش یك تکلیف شاقی است هم بر زارع و هم بر مصرف کننده.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد ها قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم قسمتی از ماده دوم پانصد دینار اخذ شود

آقا سید یعقوب - قسمت (ز)

اورنك - اینجا ندارد میفرمائید اضافه شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خواستم آقای مخبر توجه بفرمایند این قسمت اینجا چوب قلیانی است اینکه آقای شریعت زاده فرمودند عرض میکنم اصل این تنبا کو وقتی که بلند میشود یك چوبی در وسط آن تنبا کو هست یعنی یك ساقه ایست که این علیحده است و آن را داخل در برك نمیکنند. فقرا و کسانیکه نمی توانند پول برك بدهند همان ساقه را میکوبند و میکشند همان فقرائیکه طرف رحم هستند. این است که چون اساساً قیمتش کم است و دور هم انداخته میشود. بنده خودم وقتی قلیان کش بودم مواظب بودم که آن چوبها را از میان تنبا کو خارج کنم. و اصلا این چوب را از میان تنبا کو خارج میکنند اصلا تنبا کو را خراب میکند و کمتر جائی است که این چوب کوبیده شود و داخل تنبا کو شود این چوبی است که دور میاندازند اگر بنا باشد یکمن یکقران از آن بگیریم خیلی زیاد است اگر آقای مخبر هم توجه بفرمایند که یکمن دهشاهی گرفته شود بهتر است

مخبر - آقای آقا سید یعقوب اساساً خودشان میدانند آقای شریعت زاده عقیده شان این بود که پنجقران گرفته شود برای اینکه این قسمت از بین برود ولی چون نمیشود از بین برود و باقی می ماند این است که بین دو عقیده این طور درنظر گرفتند که همان یك قران باشد وچون در این قانون یك توافق نظری حاصل شده بعقیدهٔ بنده خوب است پیشنهادشان را استرداد بفرمایند.

وزیر مالیه - راجع بان توضیحی که آقای طاهری خواستند بنده تحقیق کردم سلوانه و جرمی دومحل است در نزدیکی اشنو دهات مخصوصی است از دهات اشنو و باید همین طریق نوشته شود سلوانه و جرمی

آقا سید یعقوب - مسترد میدارم.

پیشنهاد آقای یاسائی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو بعد از سال سوم

(به بعد) اضافه شود.

رئیس ـ آقای یاسائی

یاسائی ـ عرض شود بطوریکه این ماده تنظیم شده مثل این است که از سال سوم به بعد دیگر تمام میشود این بود که بنده پیشنهاد کردم (به بعد) اضافه شود

مخبر ـ بنده هم قبول میکنم

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت الف درعوض سه تومان پانزده قران نوشته شود.

رئیس ـ آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی ـ عرض کردم اولا بنده با همهٔ اینها مخالفم ولی مالا بدرك کله لا بترك کله. این سه تومان که این جا نوشته شده است بعقیدهٔ بنده یکمن سه تومان در ابتداء بر قراری یك مالیاتی خیلی زیاد است پس بهتر این است حالا از سه تومان پائین بیاورند و اگر هم میخواهند اضافه کنند ابتداء این مالیات خیلی زیاد و اجحاف است باین ملاحظه بنده پانزده قران پیشنهاد کردم.

رئیس ـ رأی گرفته میشود. آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفر بر خاستند)

رئیس ـ قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای ضیاء

پیشنهاد میشود قسمت (ز) راجع به چوب قلیانی حذف شود.

رئیس ـ آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء ـ بنده اصلا نظری راجع به حذف این قسمت نداشتم ولی چون یك قدری مبهم است و ممکن است در هر جائی یك تعبیراتی بشود و اسباب اشکال مردم فراهم شود خواستم آقای وزیر یا آقای مخبر یك توضیح جامعی بدهند تا در صورت جلسه بماند و در موقع تنظیم نظامنامه مطابق آن عمل شود. اینجا آقای اورنك راجع به این قسمت قدری مذاکره کردند ولی جوابی که از طرف آقای مخبر داده شد مقنع نبود. مراد از چوب قلیانی چوبی است که از یك تنبا کو عمل میاید و بعد مورد استفاده میشود یا چوبی است که از آن میانه قلیان ساخته میشود؟ ممکن است این قضیه را در اصفهان یك جور تعبیر کنند در شیراز یك جور دیگر. دراطراف شیراز یك جور و اگر این یك لفظی است که درخراسان یا جای دیگر برای یك جنس مخصوص اطلاق میشود توضیح بهتری بدهند و بنده هم ممکن است پس از آن توضیح پیشنهاد خودم را مسترد بدارم:

مخبر ـ همانطوریکه عرض کردم چوب قلیانی یك قسم تنبا کوئی است وشاید همانطورهم که آقای آقا سید یعقوب فرمودند باشد و در هر کجا هم گفته شود میدانند چیست و اصطلاح اداری است و هیچ جای تردید و اشتباه هم نیست ما بین اداره و مردم معمول است و تا بحال هم معمول بوده است وچندین سال اداره عمل کرده و مالیات هم ازآن گرفته و همانطور که در سابق معمول بوده حالا هم عمل میشود و همانطور که آقای آقا سید یعقوب بیان کردند از تنبا کو های خیلی پست است و هیچ جای اشکال هم نیست.

ضیاء ـ باین توضیحی که از طرف آقا داده شد بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم قسمت (و) حذف شود

رئیس ـ آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب در این موضوع آقایان هم مستحضرند در فراکسیون هم صحبت شد. اینجا آمده اند جنس پست و اعلی را تمام یك میزان قرار داده اند در آنجا هم ما صحبت کردیم بنا شد آقای وزیر مالیه در این باب یعنی اینطور گفته شد که نظر خواهند کرد بنده نمی فهمم چرا جنس پست و جنس عالی هر دو عوائدش باید مساوی باشد از اینجهة بنده پیشنهاد کردم حذف شود و اگر آقای وزیر مالیه در این باب یك نظر روشنی اتخاذ فرموده اند بفرمایند که بنده هم مستحضر شوم

وزیر مالیه ـ یك اصلی که در این قانون انحصار دخانیات تعقیب شده است ودر نتیجهٔ یك تجربیات مفصلی دیده است این است که ما تنباکو یا توتون را از حیث خوبی و بدی و متوسطی طبقه بندی نکنیم چرا؟ برای اینکه این طبقه بندی یك اشکالات لایتناهی بین مامورین دولت و تجار ومردم ایجاد میکردد چون این طبقه بندی بترتیب اعلی و متوسط و پست در قانون سابق هم بود و تمام بدبختی های قانون سابق هم همین طبقه بندي بود و تمام دردسر هائی که ایجاد شد از همین طریق بود پس تنها منطقی که باقی میماند این است که ممکن است بما گفته شود همانطوریکه برای توتون چیق شما یك طبقه بندی جغرافیائی کرده اید یعنی یك نقاطی که توتونش بهتر است اسم برده شده وگرانتر نوشته شده ویك جاهائی که بدتر است ارزان تر نوشته شده چرا برای تنباکو این کار را نمیکنند؟ بنده هم به آقایان قول داده بودم که دراین باب یك تجدید نظر و مطالعه بکنم. تجدید نظر و مطالعه هم کردم تحقیق هم کردم. وضعیت جغرافیائی توتون و توتون کاری غیر از تنبا کو است این تقسیم برای تنبا کو ممکن نیست برای اینکه گفته میشود یعنی اشخاص بصیر میگویند بعضی از آقایان اطلاع دارند و تصدیق میکنند که ممکن است خق در یك ده (نه در یك بلوك) دو قسم مه قسم تنبا کو باشد پس نمیشود ازروی تقسیم جغرافیائی ما تمام نقاط را تشخیص بدهیم بعلاوه یك نکته در نظر گرفته شده که آن نکته کاملا نظر را تامین میکند و آن این است که این رخی که در نظر گرفته شده پست ترین رخها است سی شاهی که برای تنبا کو معین شده است یك رخی است که تحمیل نمیشود پس ممکن است بگویند یك تنبا کوئی باشد که قیمتش از سی شاهی ارزانتر باشد واین خیلی نادر است بعلاوه اگر آقایان یك قدری توجه بفرمایند بنده مسئله را حل میکنم اینجا همه ذهن آقایان متوجه بر این است که این یك مالیاتی است که ما از زارع میگیریم این طور نیست ما به زارع در قسمت تنبا کو کاری نداریم چنانچه نظر دولت این است و ما این حق را از تاجری که تنبا کو خریده و میبرد میفروشد اخذ میکنیم آن تاجری که تنبا کوی حکان را که مثلا فلانقدر قیمت دارد سی شاهی بما میدهد خوب همان تاجر آن تنبا کوی ارزانتر را هم ضررش را تحمل کند این اشکالی ندارد

آقا سید یعقوب ـ بنده استرداد میکنم

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

در قسمت (و) بنده پیشنهاد میکنم تنبا کوی وسط یکمن دهشاهی و تنبا کوی اعلی یکمن دو قران و بهمین میزان و تناسب تا سال سوم ارتقاء نماید

مؤید احمدی ـ توضیحی که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده را قانع نکرد تنبا کو خیلی اختلاف قیمت دارد تنبا کو در ایران از یکمن چهار تومان هست تا یکمن سی شاهی اگر چنانچه بنا باشد همه اینها مالیات متساوی بدهند البته این مطابق عقل نیست حالا میفرمایند از حیث عمل اشکال دارد اگر از حیث عمل اشکال دارد ممکن است مقرر بفرمایند تنبا کو هائی که از یکمن سه قران کمتر قیمت دارد معاف باشد و الا این معنی ندارد که تنبا کوئی که یکمن سی شاهی قیمتش است سی شاهی تنبا کوی یکمن چهار تومان آنهم سی شاهی بدهد

مخبر ـ چنانچه مکرر توضیح داده شده از حیث طبقه بندی راجع به تنبا کو عموم آن اشخاصی که دخیل در کار هستند آنها عقیده شان بر این بود که طبقه بندی نشود بواسطه اینکه اصلا طبقه بندي یك حربه واسبابی است که اسباب جنك و اختلاف بین مأمورین دولت و مردم ایجاد میکنند مأمور دولت یك جور تشخیص میدهد مردم جور دیگر اظهار میکنند و بالاخره همه روزه بین مأمورین دولت و مردم یك اختلافاتی تولید میشود و هر روز اسباب زحمت برای ما پیش میاید از این نقطه نظر بود که دولت قبول کرد طبقه بندی از بین برود قانون سابق که پیشنهاد شده بود طبقه بندی بود ولی به مضارش کم بر خورد دلذا اینطور قرار شد که طبقه بندی را برداراند در قیمت توتون چون جزیی از حیث قسمت جغرافیائی

مشخص و معلوم است و یك اختلافات بینی ندارد واز حیث عمل هم مدتها است عملی شده نسبت خوب و بد توانون یك محل را نسبت به محل دیگر میتوان معین کرد اما تنباکو را از حیث محل و جغرافیائی نمیتوان تشخیص داد بجهت اینکه در فارس تنباکوی خبلی اعلی است که بفرمایش آقا تنباکوی یکمن چهار تومان است یکمن سی شاهی هم هست این بودکه ما نتوانسته ایم یك طبقه بندی بین تنباکو از حیث محل قائل شویم بعلاوه بین آقایانی که در فراکسیون تشریف داشتند این مسائل کاملا قطعی شده و رای گرفته شده است وچون در فراکسیون قطعی شده بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم و از آقا هم خواهش میکنم که بهمین ترتیبی که در لایحه نوشته شده است موافقت بفرمایند وپیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند

رئیس ـ رای میگیریم به پیشنهاد آقای مؤید احمدی آقایان موافقین قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس ـ تصویب نشد

پیشنهاد آقای شریعت زاده

پیشنهاد میکنم برای انواع توتون چپق حقوق انحصار دریافت شود سال اول یکمن دو قران سال دوم یکمن پانزده قران سال سوم یکمن بیست قران سال چهارم یکمن بیست وپنجقران سال پنجم یکمن سی قران

شریعت زاده ـ پیشنهادی را که بنده کردم ازنقطه‌نظر یك دلائلی است که لازم است آقایان مخصوصا آقای وزیرمالیه توجه فرمایند این ترتیبی که این خبر تنظیم شده است موجب میشود که تجارت داخلی سیکار وضعیتش بد می شود و بالاخره جامعه بطرف عادت بکشیدن چپق سوق داده میشود این است که برای انواع توتون این حق را بنده قائل شدم و با حق انحصاری که برای سیکار بسته شده لازمه اش این‌است و بعلاوه این توتون انواعش جزء زوائد زندگانی است یعنی اگر در یك مملکتی افرادش عادت به توتون نداشته باشند تاثیری در مزاجشان و زندگانی بخصوصی شان ندارد از نقطه نظر تجارت خارجی هم که در این خبر پیش بینی شده است که حق انحصاری هر قسم اگر صادر شود پس بدهند پس باید در داخلهٔ مملکت از توتون چپق حق انحصاری سنگینی گرفته شود و از اقسام دیگر یك حق کمی که مردم از استعمال درقسمت اول خودداری کنند و قسمت دوم یعنی قسمت أرزان را تعقیب کنند بعلاوه یك قسمت دیگر این است که تجار توتون و سیکار هم دچار زحمت خواهند شد باین جهت بود که بنده این پیشنهاد را کردم .

وزیر مالیه ـ پیشنهاد آقای شریعت زاده خیلی بنفع خزانه است درهر حال منطقشان هم ممکن است تا اندازه درست باشد ولی بطوریکه قبلا عرض کردم با این ترتیبی که فعلا مطرح است توافق حاصل شده است بنده که نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم و استدعا میکنم آقای شریعت زاده هم با این ترتیبی که تنظیم شده است و توافق حاصل شده است موافقت بفرمایند و پیشنهادشان را مسترد فرمایند

شریعت زاده ـ استرداد میکنم

پیشنهاد آقای مفتی

پیشنهاد میکنم در قسمت (ج) بعد از کلمه ساوجبلاغ (مکری) علاوه شود

مفتی ـ پیشنهادبنده واضح است لازم بتوضیح نیست ساوجبلاغ دو تا است برای رفع اشتباه باید نوشته شود ساوجبلاغ مکری این است غرض بنده

رئیس ـ آقای عدل

عدل ـ بنده با این ترتیب موافقم اضافه کردن این کلمه عیب ندارد همانطور که فرمودند ساوجبلاغ دو تا است و اگر کلمه مکری هم اضافه شود خیلی خوبست

مخبر ـ بنده هم قبول میکنم

پیشنهاد آقای فرهمند

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو قسمت (ز) نوشته شود چوب تنباکوی قلیانی

مخبر فرهمند ـ عرض کنم با توضیحاتی که داده شده

بنده تصور میکنم در موقع اجرا برای مأمورین و مردم یك اشکالاتی فراهم شود برای اینکه صورت مشروح مذاکرات را نه مأمورین دولت میخوانند و نه مردم اطلاع دارند چوب قلیانی را تصور میکنند میانه قلیان است این است که برای جلوگیری ازاین اشتباه بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر ـ این فرض را که آقا فرمودند گمان میکنم یك فرض محالی باشد چوب قلیان تنباکو غیر از چوبی است که در میانه قلیان باشد

(همهمهٔ نمایندگان)

عراقی ـ شما این فرمایش را میکنید ولی مأمورین این حرف را نمیزنند. قبول کنید والا ما رأی میدهیم

وزیر مالیه ـ اجازه میفرمائید

رئیس ـ بفرمائید

وزیر مالیه ـ این اعتراضی را که آقای مخبر کردند صحیح است زیرا چوب قلیان را میشود چوب قلیان گفت ولی تصدیق بفرمائید که هیچ کمیسیونی هیچ مجلسی نمی آید این را در ردیف توتون و تنباکو قرار دهد میانه قلیان را کسی جزء توتون و تنباکو حساب نمیکنند با وجود این برای اینکه فرض نکنند که مابك اشکالی میخواهیم بکنیم قبول میکنم که نوشته شود چوب تنباکوی قلیانی

پیشنهاد آقای پور محسن

بنده پیشنهاد میکنم ماده دو بطریق لایحه دولت رای گرفته شود

پور محسن ـ بنده عرایض خودم را عرض کردم و آقای مخبر جوابی ندادند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که لایحه دولت که با انصاف وموامات نوشته شده رأی گرفته شود

وزیر مالیه ـ در این قسمت بنده مکرر عرض کرده ام ولی اگر به آن جواب قانع نمیشوند بنده اصراری ندارم گویا نظر آقا متوجه به یك نقطه بخصوص است که در قانون اسم برده نشده در صورتیکه بنده عرض کردم که در قانون برای همه جا تقسیم جغرافیائی تنباکو غیر ممکن است به این ملاحظه بنده از آقا تمنا میکنم بهمین ترتیبی که در قانون نوشته شده است موافقت بفرمایند در آن قسمت هم که میفرمائید خبر کمیسیون با آن پیشنهاد اولی فرق دارد دولت با موافقت کمیسیون در یك پیشنهاد های جدیدی که یك قسمتش کسر شده و یك قسمتش علاوه شده مراجعت کرده و نتیجه‌اش همین ترتیبی است که ملاحظه میفرمائید و این یك عمل معمولی است که همیشه در کمیسیونها بین دولت و اعضاء کمیسیون هست

پور محسن ـ بنده مسترد میدارم

مخبر ـ اجازه میفرمائید در این قسمت برای اینکه سوء تفاهمی نشود استدعا میکنم این اصلاحات را مرقوم دارند که بعد اسباب اشکال نشود در قسمت ب که نوشته شده است لاهیجان ساوجبلاغ . مقصود محال ساوجبلاغ است دراینجا باید محال ساوجبلاغ نوشته شود و در قسمت ج محال بر داشته شود و ساوجبلاغ مکری نوشته شود

رئیس ـ بنا بر این رأی گرفته میشود به مادهٔ دو با اصلاح عبارتی آقای مخبر و افزودن پیشنهاد آقای مفتی و آقای فرهمند آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس ـ تصویب شد. مادهٔ سوم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سوم ـ کلیه مالکین اجناس دخانیه مکلفند همه ساله اولا مقدار محصول بر داشتی خود را اظهار نمایند ثانیاً پس ازآنکه اجناس آنها قابل حمل و استفاده تجارتی گردیده به انبار هائی که دولت معین میکند حمل و وارد کنند وحمل آن به انبارهای مؤسسه نباید بیش از ششماه از تاریخ بر داشت محصول طول بکشد

بعضی از نمایندگان ـ این ماده اصلاح شده است

مخبر ـ بله این ماده اصلاح شده اش را هم تقدیم می کنم

(ماده مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

مادهٔ ۳ کلیه اجناس دخانیه را باید در ظرف ششماه پس از برداشت محصول به انبارهائی که دولت معین کرده است وارد نمایند

رئیس ـ دولت هم همین عقیده را داشته است ؟

وزیر مالیه ـ بلی با موافقت دولت بوده است

رئیس ـ آقای یاسائی

یاسائی ـ بنده عرضی ندارم

رئیس ـ آقای طاهری

طاهری ـ بنده هم عرضی ندارم مقصودم این بود که ماده اصلاح شده است

رئیس ـ آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب ـ بنده عرضی ندارم

رئیس ـ رأی گرفته میشود بماده سوم به ترتیبی که باخیراً پیشنهاد شده آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس ـ تصویب شد . ماده چهارم

(بشرح ذیل قرائت شد)

مادهٔ چهارم ـ در هر جا نسبت بان نوع از اجناس دخانیه که دولت حق انحصار خود را مجری داشته یعنی خرید و تهیه و فروش و غیره را خود در دست گرفته مالکین مکلفند اجناس خود را بمؤسسه انحصار دخانیات بفروشند وقیمت را مؤسسهٔ انحصار نقداً پرداخت خواهد نمود در سال اول اجرای این قانون حداقل قیمت خرید اجناس دخانیه میزان متوسط قیمتهای معموله درپنجسال اخیر قبل ازاجرای اینقانون برطبق دفاتر تجار باملحوظ داشتن تنزل بها خواهد بود واز سال دوم اجرای انحصار ببعد همه ساله مؤسسه انحصار دخانیات با در نظر گرفتن وضعیت بازار نرخ سال جدید را تعیین و یکماه قبل ازبرداشت محصول در هر محل اعلان خواهد نمود .

رئیس ـ آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب ـ در اینجا اولا یك اصلاح عبارتی لازم دارد بنده توجه آقای مخبر و آقای وزیر مالیه را به اصلاح عبارتی جلب میکنم بعد هم در آخر ماده عرض دارم در اینجا نوشته (در هر جا نسبت به آن نوع از اجناس دخانیه که دولت حق انحصار خود را مجری داشته یعنی خرید و تهیه و فروش و غیره را خود در دست گرفته) این کلمه وغیره را بنده مکرر عرض کرده ام که یك کلمه مبهمی است و اسباب زحمت میشود این کلمه و غیره بعقیده بنده باید بر داشته شود . باز مینویسد مالکین مکلفند اجناس خود را بمؤسسه انحصار دخانیات بفروشند وقیمت را مؤسسه انحصار نقداً پرداخت خواهد نمود) در اینجا این پرداخت خواهد نمود هم معنی ندارد و بایدنوشته شود پرداخت نماید باید درمقابل بفروشند پرداخت نماید باشد و در آخر هم اینجا آقای وزیر مالیه کمك کنند نوشته است (همه ساله مؤسسه انحصار دخانیات با در نظر گرفتن وضعیت بازار نرخ سال جدید را تعیین و یکماه قبل ازبرداخت محصول درمحل اعلان خواهد نمود) بنده عقیده ام این است که درموقع شروع کردن به این عمل نظر اطاق تجارت را هم آن اداره انحصار در نظر بگیرد چون این میرود روی مسائل اقتصادی اگر دولت موافقت کنند که با در نظر گرفتن وضعیت بازار و مشورت کردن با اطاق تجارت هم افزوده شود چون اطاق تجارت کاملا مواظب است در وضعیت تجارب و زراعت و از این حیث خوبست نظر اطاق تجارب راهم اضافه کنیم که حقیقتاً آن قدمهای اقتصادی را که در نظر آقای وزیر مالیه هم هست کاملا برداشته باشیم این است عقیده بنده

وزیر مالیه ـ عرض کنم که قسمت اول فرمایشات نمایندهٔ محترم را که راجع باصلاح عبارتی بود بنده چون درست ملتفت نشدم آقای مخبر بعد قبول میکنند یا رد میکنند راجع به قسمت اخیر که راجع به تعیین قیمت وموضوع مشورت و مشاوره با اطاق تجارت است البته از نقطه نظر اساس کاملا صحیح است اطاق تجارت در این قبیل قضایا ممکن است نظریاتش کمك کند و صائب باشد علی الخصوص که نظرش مشورتی خواهد بود مخصوصاً باین و اساس اطاق تجارت برای اینطور چیزها است که نظر مشورتی داشته باشند و البته همینطور که ملاحظه می

فرمائید این هیچ اشکالی در اصل موضوع وارد نمیکنند فقط اینجا یك تذکری بنده میخواهم بدهم و بعد هم می خواهم از آقا تقاضا کنم که روی آن اصلی که دو مرتبه بنده تذکر دادم عجالتاً از ذکر این مطلب در اینجا اصرار پیدا کنند و علتش هم این است که هیچ آقایان مشوق هستند که در هیچ موقعی که قانون انحصار از مجلس گذشته چنانچه قوانین دیگری هم از مجلس گذشته ما نتوانسته ایم درمادی امر انحصار را بمعنی حقیقی اجرا کنیم . ما مدتهائی است در قسمت انحصار تریاك بجواز دادن گذراندیم این قانون هم همینطور خواهد شد پس این اشکال تا موقعیکه جواز داده میشود وارد نیست برای اینکه نرخ بازار اصلا معین نیست و آزاد است کارو زارع خودشان مطابق معمول قدیم میخرند ومیفروشند وما هیچ مداخله دراین قسمت نداریم والبته وقتی اینمطلب مورد پیدا میکنند که ما انحصار را بیك صورت صحیح عملی در بیاوریم آنوقت تصدیق میفرمائید که یك تجربیاتی درکار است که آن تجربیات ممکن است یك اصلاحات دیگری را هم در قانون الزام کنند بهمین جهة به این طریق یا طریق دیگری چنانچه بعضی از آقایان هم پیشنهاد کردند که یك قیمت ثابتی معین شود و قبول نشد خاطر آقایان هست که در این زمینه مذاکرات مفصل هم در خارج کردیم وبالاخره چون فعلا تشخیص این مسائل ضروری نیست و بعد از اینکه تجربه کردیم بهتر میتوانیم این قسمت را حل کنیم بنا براین آقایان موافقت کردند که به این صورتی که هست باشد وبنده هم از آقا تمنا میکنم در صورتیکه نظرشان هیچ مزاحمتی ندارد به اصل مطلب همینطور قبول بفرمایند

رئیس ـ آقای یاسائی

یاسائی ـ عرض میشود در ماده چهارم قسمت اخیرش راجع به تعیین نرخ و اینکه اصل انحصار را دولت بخواهد اجرا کند بنظر بنده با مفاد ماده پنج یك تباینی دارد آقای مخبر توجه بفرمایند در اینجا در ماده چهارم نوشته میشود در هر جا دولت حق انحصار را عملی کرد نرخ معین میکنند ماده ۵ این است که دولت مجاز است که جواز این تجارت را بدهد فرض کنید درگیلان این حق انحصار را آزاد کرد و در طهران انحصار کرد بنده تصور میکنم از نقطهٔ نظر معاملات و تجارت اشکالاتی پیش بیاید و ظاهرا این تناقض هست مثلا اگر دولت در گیلان حق انحصار را قبلا عملی کرد و نرخ را معین کرد آنجا مجبور میشوند مطابق نرخی که دولت معین کرده است بفروشند ودر طهران اگرجواز داده شود این مشکل است و آنوقت دیگر آزادی معنی نخواهد داشت برای اینکه نرخی که دولت در گیلان معین کرده است آن ماخذ میشود و طهران هم ناچار است از آن تبعیت کندویك تأثیر مهمی در معاملات دارد بنده چون یقین دارم که دولت ماده پنج را بیشتر اجرا خواهد کرد از نقطه نظر عمل چندان اشکالی نمی بینم ولی ظاهر قانون بنظر بنده دارای یك تباینی است و این لغت هر جا این اشکال را تولید کرده اگر فرازاول این ماده اینطور نبود و بطور ساده‌تر بود بنده خیال میکنم که تعارضی نداشت ولی ظاهرا این تعارض را دارد

وزیر مالیه ـ بنده گمان نمیکنم تعارضی در این جا باشد زیرا عبارت ماده این است (در هرجا نسبت به آن نوع از اجناس دخانیه) اصل نظر نوع اجناس است ملاحظه بفرمائید مثلا اگر شما درگیلان انحصاررا عملی کردید گیلان محصولش توتون سیگار است و طبعاً اگرشما در گیلان که مرکز عمومی توتون سیگار است انحصار را عملی کردیددرهرجای دیگر هم توتون سیگار کاشته شودشما آن انحصار را عملی میکنید ولی فرض بفرمائید شما اگر آمدید و این انحصار را خواستید نسبت به تنباکو عملی کنید وعملی هم گردید آنوقت آیا اگر شما تنباکو را انحصار کردیدنسبت به انحصار توتون سیگار تعارضی میشود ؟

یاسائی ـ خیر

وزیر مالیه ـ پس بعقیدشما اشتباه سر کلمه هرجااست چون نوشته شده است در هرجا که نسبت به آن نوع

اجناس دخانیه و این هرجا گمان میکنم این اشتباه را تولید کرده است اما این هرنوع که در اینجا نوشته شده است گمان میکنم این اشتباه را رفع کند چون ما سه نوع اجناس دخانیه داریم توتون سیگار ـ توتون چپق ـ تنبا کو و اصلا این منطقی نیست که فکر بشود که نسبت به توتون چپق بعضی جا ها این انحصار را عملی کردید یا نسبت به توتون سیگار به تفاوت نقاط انحصار را عملی کردید طبعاً اگر در یك جنسی انحصار را شما خواستید عملی کنید نسبت به تمام آن جنس در هر کجا باشد انحصار را عملی میکنید . . .

یاسائی ـ هر جا نمیخواهد هر نوع باید باشد

وزیر مالیه ـ و اگر صلاح بدانید بنده بیشتر در عبارتش مطالعه میکنم که به بینم نسبت به هریك باشد بهتر است یا نسبت به آن نوع بهتر

رئیس ـ آقای ملك مدنی

ملك مدنی ـ عرضی ندارم

رئیس ـ آقای پور محسن

پور محسن ـ عرض بنده را آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند

رئیس ـ آقای فولادوند

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

رئیس ـ فقط ایشان هستند که اجازه خواسته اند بفرمائید

فولادوند ـ مقصود عرض بنده این است که درقسمت تنبا کو چون اکثر آقایان میدانند که اینها اکثر اقسامش مال نهاوند و تویسرکان و کلپایکان و خوالسار است که قیمت آن یکمن دو قران الی دوریال است وبیشتر خریدار ندارد واگر چنانچه بخواهند این مالیات از دست زارع مطالبه شود قیمت آنها با مبلغی که میگیرند تکافوء نمیکند اما بنده که خدمت حضرت والا عرض کردم فرمودند این قسمت محرز است که از رعیت مطالبه نمیشود و از خریدار مطالبه میشود و از مصرف کننده گرفته میشود . بله در صورتیکه اینها آزاد باشند بفروشند و

پس از آنکه فروخته از خریدار مطالبه بشود همین طور است .

ولی در این قسمت ماده سوم نوشته : کلیه اجناس دخانیه را باید در ظرف شش ماه پس از برداشت محصول به انبارهائی که دولت معین کرده است وارد نمایند . وقتی که اینها را در ظرف شش ماه حمل کردند به انبارها موظفند که مالیات آنها را بدهند آنوقت بفروشند چنانکه الان نظایر آن خیلی هست در خیلی انبار ها هست که تنبا کو و توتون دو ساله و سه ساله و چهار ساله که مالیاتش زیادتر بوده و خریدار نداشته الان هم موجود است و خریدار ندارد حالا عقیده بنده این بود که اگر موافقت میفرمودند این قسمت اجناسی که قیمتی ندارد در دست رعیت آزاد باشد پس از آنکه فروختند بهر قیمتی که شد آن وقت مالیات را از خریدار بگیرند اما اگر اینها حمل به انبار بشود همینطور سابقه دارد دو سال و سه سال در انبار میماند وبهمین قیمت مالیات هم فروخته نمیشود این هم برای رعیت ضرردارد و هم دولت از این کار فایده نمیبرد

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

رئیس ـ پیشنهاد ها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده چهار این قسم نوشته شود : و از سال دوم اجرای انحصار به بعد همه ساله بمیزان قیمتی که در سال اول خریداری شده خواهد خرید

رئیس ـ آقای حاج میرزا حبیب الله امین

حاج میرزا حبیب الله امین ـ راجع بخریداری دولت در ماده چهارم نوشته

رئیس ـ خواهش میکنم اینجا تشریف بیاورید

امین ـ (در محل نطق) توجه بفرمائید حضرت والا در سال اول برای خرید دولت یك میزان معین شده که بایستی قیمت متوسط پنجسالهٔ اخیر را معین کنند و از روی آن قیمت دولت بخرد چون قیمت پنجساله اخیر با یك دقت و رخنی ثابت میشود و از

سالهای بعد همه ساله به دفاتر تجار مراجعه کنند وضعیت بازار دیدارا درنظر بگیرند آنوقت هم خودشان دچار زحمت نمیشوند و هم صدور میکنم یك چیز عادلانه نباشد این طرز خوب است دولت هرنوع تصمیمی که میگیرد در هرنوع وضعیتی را که در نظر میگیرد نسبت به نرخ مالیات آن را ماخذ قرار دهد باین جهة بنده پیشنهاد کردم که پس از آنکه درسال اول قیمت پنجسال اخیر معین شد البته یك قیمت ثابتی خواهد بود سالهای بعد همه ساله بطور ثابت به قیمت سال اول دولت بخرد این پیشنهاد شده است .

وزیر مالیه ـ بنده انتظار نداشتم بعد از آن توضیحاتی که عرض کردم آقای امین التجار که خودشان کاملا از وضعیت همه قسم اطلاع دارند این پیشنهاد را بفرمایند بنده این قیمت تا موقعی که جواز داده میشود اصلا نمیدانم . مگر الان درقسمت تریاك ماقیمت تعیین کرده ایم امروز فردا که قانون مقرر کرده که دولت هروقت انحصار کرد میتواند قیمت معین کند ما که نکرده ایم خودزارع یا تاجر یا بقال دار و غیره که با همدیگر معامله میکنند قیمت میکنند پس ما تا جواز میدهیم برای تجارت در داخله یا در خارجه اصلا تعیین قیمت لزوم ندارد و هر وقتی که خواستیم این کار را بکنیم که عرض کردم تا آن موقع ممکن است ما یك تجربیات دیگری هم پیدا کنیم و یك اصلاحاتی در قانون بکنیم .

امین ـ مسترد میکنم .

رئیس ـ پیشنهاد آقای دهستانی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم دراول سطر سوم در ماده چهارم بقرار ذیل نوشته شود

مالکین مکلفند اجناس خود را بموعد مقرره در ماده سه بمؤسسه انحصار بفروشند و مأمورین مؤسسه هم مکلف خواهند بود که بدون هیچگونه عذر در موقع مقرره خریداری نموده و قیمت آنرا نقداً بپردازند الی آخر

رئیس ـ آقای دهستانی

دهستانی ـ این ماده چهار مالکین را مکلف میکند که جنس خودشان را در یك موعد معینی بمؤسسه بفروشند و از طرفی هم مینویسد که قیمت آنرا مؤسسهٔ انحصار نقداً پرداخت خواهد کرد ولی ممکن است اینها جنس را بر ندارند که قیمت آنرا نقداً بدهند ولی پس از شش ماه علاوه بر اینکه صاحب جنس پول جنس را نگرفته است یك چاروادار طلبکاری هم برای خودش فراهم کرده است نظیر این قسمت الان در طهران موجود است . اداره ارزاق یك مقداری جنس مردم را الان توقیف کرده و مردم بیچاره در این موقع دچار اشکال شده اند شاید مؤسسه انحصار هم بگوید انبار نداریم جا نداریم عجالتاً بگذارید بعد از چندی آنوقت در حقیقت هم رفع احتیاج فروشنده نشده و پول جنس را نگرفته است و هم یك طلبکاری برای آن بدبخت درست شده این بود که بنده پیشنهاد کردم همانطوری که زارعین مکلف هستند مامورین هم در پرداخت قیمت مکلف باشند .

مخبر ـ عرض کنم این قسمت که آقای دهستانی فرمودند اگر عبارتی را که نوشته دقت بفرمایند نوشته نقدا پرداخت نماید گمان میکنم نقدا این نباشد که پس از مدتی بپردازند . بعدهم این عبارت ماده را استدعا میکنم این ترتیبی که عرض میکنم اصلاح بفرمایند که برای رای اشکال نشود در سطر اول نسبت بهر یك از انواع اجناس دخانیه و در سطر سوم بعد از مالکین مکلفند یك « آن نوع » اضافه شود در سطر چهارم پرداخت خواهد نمود « نماید » شود

رئیس ـ رأی میگیریم به ماده چهارم با اصلاحاتی که از طرف آقای مخبر شد. آقایانیکه موافقند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس ـ تصویب شد

وزیر مالیه ـ اگر چه بین شور قانون است و شاید مرسوم نبوده است که یك مذاکره دیگری بشود ولی چون موضوع یك موضوعی است که وقت هم برایش نیست بنده یك تذکری میدهم . چون وعده کرده بودم درضمن

مذاکرات دیگ لایحه برای تصویب یک مبلغ اعتبار برای پرداخت حقوق منتظرین خدمت تقدیم کنم بنده آوزدهام گمان میکنم آقایان همه موافق هستند و البته بهتر این است که این وجه شب عید داده شود یک جلسه هم بیشتر لداریم که فرداست بنده شخصا چون یک آدم دینیهلینه‌ای هستم چون در فراکسیون طرح شده تقاضای فوریت نمیکنم ولی اگر آقایان موافقت کنند و تقاضای فوریت کنند بنده حاضرم

(لایحه مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

با نهایت احترام باستحضار خاطر آقایان نمایندگان می رساند نظر باینکه اعتبار حقوق انتظار خدمت سال ۱۳۰۷ بالتمام مصرف شده و چیزی از آن باقی نیست که بتوان حقوق ماههای آخر سال منتظرین خدمت را پرداخت نمود لهذا دولت لازم دید در این موقع که لایحه تجدید اعتبار حقوق انتظار خدمت را تقدیم مجلس محترم مینماید خاطر محترم آقایان نمایندگان را باشکالات زیادی که قانون مصوب ۲۴ بهمن ۱۳۰۶ در ضمن عمل برای دولت ایجاد نموده است متوجه سازد

تا زمانیکه پرداخت حقوق انتظار خدمت مطابق مادهٔ ۲۸ و ۲۹ قانون استخدام کشوری معمول بوده و عده منتظرین خدمت وزارت خانه ها بصدی پنج محدود بوده است ترتیب پرداخت حقوق انتظار خدمت بمراتب منظم تر و اعتبار منظور در بودجه هم وفا بانجام مقصود می نمود ولی بعد از اجرای قانون ۲۴ بهمن ۱۳۰۶ که قید صدی پنج از میان برداشته شد در حقیقت هم وزارت خانهها و ادارات دولتی بازدیاد عده منتظرین خدمت دعوت شدند و هم منتظرین خدمت سراغ کار رفته و در نتیجه بعد از چند ماه اجرای قانون اجبر عده منتظرین خدمت طوری رو بتضاعف میرود که چند ماه باخر سال ۱۳۰۷ مانده اعتبار حقوق انتظار خدمت بالمره تمام شده و اگر بهمین منوال بگذرد دور نیست که در سال ۱۳۰۸ دو برابر اعتبار امسال هم بکفایت پرداخت حقوق انتظار خدمت را نکند

با مقدمات مجاروضهٔ فوق با یک مادهٔ واحدهٔ ذیل را پیشنهاد و استدعای تصویب مینماید

مادهٔ واحده — برای پرداخت حقوق انتظار خدمت سال ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی معادل ۴۰۰ هزار تومان اعتبار اضافی از محل منابع تعهد نشده و صرفه جوئیهای بودجه عمومی سال ۱۳۰۷ تصویب و بوزارت مالیه اجازه میدهد محاسبهٔ سال ۱۳۰۷ را با بابت حقوق انتظار خدمت برای هر مدتی که اعتبار مزبور وفا نماید مفتوح بدهد

تبصره ۱ — ترتیب پرداخت حقوق انتظار خدمت از ابتدای سال ۱۳۰۸ به بعد مطابق دو مادهٔ ۲۸ و ۲۹ قانون استخدام کشوری معمول و مقررات مادهٔ دوم قانون مصوب ۲۴ بهمن ۱۳۰۶ ملغی خواهد بود

تبصره ۲ — مستخدمین کشوری و قضائی منصوب یا منتظر خدمت وزارت خانها و مؤسسات عمومی دولتی که از تاریخ تصویب اینقانون تا انتهای سه ماه در مرکز و شش ماه در خارج از مرکز تعرفه خدمت خودرا با تصدیق وزارت خانه یا مؤسسهٔ مربوطه تکمیل کرده و بموجب رسید رسمی تسلیم وزارت مالیه نموده اند دیگر مدارک خدمت آنها دارای اعتبار نخواهد بود

رئیس الوزراء وزیر مالیه

رئیس — آقایان نجومی اعتبار لاریجانی و جمعی از رفقا تقاضای فوریت کرده اند فوریت مطرح است آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق — موافقم

رئیس — آقای نجومی

نجومی — موافقم

رئیس — آقای دکتر سنك

دکتر سنك — موافقم

رئیس — آقای کازرونی

کازرونی — عرضی ندارم

رئیس — آقای دهستانی

دهستانی — موافقم

رئیس — آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب — اولا در پیشنهاد کردن این لایحه یک نواقصی واقع شد که رعایت نظامات لوایح نشد مخصوصا اینکه آقایان هم میل علاقه داشتند که حقوق منتظرین خدمت داده شود لوایح را که جزء دستور میکنند باید اول رأی بخروج دستور موضوع قطع شده بگیرند بعد رأی بدهند داخل در آن لایحه بشوند (این را نفهمیدم چه شد) آنوقت بعد از آن رأی بفوریتش گرفته شود. این عقیدهٔ اساسی من که بعداز این ما در مسائل یکقدری رعایت نظامات را بکنیم. ما مشغول شور در قانون دخانیات هستیم آنوقت آقای وزیر مالیه در وسط شور این لایحه را میدهد و آن لایحه از جریان طبیعی خودش می افتد در صورتیکه باید رأی داده شود که این از دستور خارج شود و وارد آن بشویم این اولا و ثانیا آقایانیکه لزوم دارند در این لایحه ملاحظه بکنند ملتفت بشوند بنده با تبصرهٔ اول و دوم کاملا موافقم و میدانم شماها موافق نیستید بنده کاملا عقیده دارم که این کار باید از یک جائی قطع شود و بیش از این منتظر خدمت پرست نشود میدانم شما موافق نیستید و رای نمیدهید بنده عقیده ام این است که ما عصری در کمیسیون بودجه میرویم آقای وزیر مالیه تشریف می آورند این لایحه را یکلاه کنیم بعد به مجلس بیاوریم و قبل ازعید هم تمام شود

رئیس — آقای نجومی

نجومی — فرمایش آقا البته یک قسمتش صحیح است اولا علت اینکه ما فوریش موافقت کردیم وبنده طرفدار فوریش بودم راجع بهمان اظهاری بود که آقای وزیرمالیه کردند اولا وقتی آقایان موافقید باینکه حقوق منتظرین تخصیص داده شود البته وصلت به شب عیدشان بدهد بهتر است کمیسیون بودجه هم یک فردا بیشتر نخواهد برد شاید آنجا هم یک اختلاف نظر هائی پیدا بشود و اینکه ما میخواهیم به شب عید وصلت بدهد آن مقصود حاصل بشود اینجا هم بنده یک چیزی در این لایحه می بینم که در مجلس نتواند حل بشود اجازه بدهید این لایحه مطرح بشود البته نظری هم در هر قسمتی دارید بفرمائید که لا اقل به شب عیدشان رسیدگی بشود

رئیس — بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس — آقای مجدولی میرزا

مجدولی میرزا — بنده مخالفم اگر منظور آقای وزیر مالیه و چهل هزار تومان اعتبار خواسته شود بنده هم موافقم چهل هزار تومان اعتبار بخواهند دیگر قانون استخدام را مخلوط فرمایند بعلاوه درکمیسیون بودجه این موضوع سابقه دارد در آنجا بحث کردیم آقای وزیر مالیه وعده دادند که این قضیه را با اطلاع کمیسیون بودجه اصلاح کنند آنوقت یکمرتبه این لایحه در اینجا عرض اندام میکند. بنده عرض میکنم اگر چنانچه برای خاطر مستخدمین است و شب عید است بنده موافق هستم باید بانها یک حقوقی برسد مخالفتی ندارم ولیکن با اینکه در اینجا میخواهند با این دو تبصره یک مرمت و اصلاحاتی در قانون استخدام بکنند بدون اینکه بکمیسیون بودجه برود بنده جداً مخالفم.

وزیر مالیه — اجازه میفرمائید. بنده خیلی متأسفم که عدم توجه باین ماده شاید وقت ما را دارد تلف میکند و اگر این کار را کرده بودیم شاید چند مادهٔ دیگر هم از قانون دخانیات میگذشت. این را آقای مجدولی میرزا باید خوب و روشن بدانند که این مواد و تبصره ها اصلا از همدیگر قابل تفکیک نیست بهیچوجه و بنده نمیتوانم موافقت کنم با سمت وزارت مالیه به این ترتیبی که امروز جریان دارد حقوق به منتظر خدمت داده شود وکارخانه منتظر خدمت درست کنی دائر باشد وآنوقت پول مملکت از مالیات پیدا گرفته شود و به طبقه منتظر خدمت داده شود بنده اگر موافقت میکنم باینکه یک وجهی پرداخته شود برای این است که میدانم یک اشخاصی هستند پریشان ومستأصل و بانها باید یک موافقت هائی بشود زیرا آنها تقصیری ندارند که ما یک روزی که حساب هائی میکردیم آمدیم بی مطالعه قانون استخدام وصدی پنج را بهم زدیم بعد یک تأسیس دیگری کردیم و درعمل دیدیم آن تأسیس

مثل بانک ملی ایران کنی میخواهد مالیه مملکت را خراب بکند پس اگر شما آقایان موافقید با اینکه فلان بانک چیزی بما نها داده شود آن را در دستور هفته آینده معرض نداریم وعجله هم نداریم بفرستید به کمیسیون بگذارید برای مآل نزدیکان بخواهند مطالعه کنید ما مطالعات را کاملا کرده‌ایم و این نتیجه یک مطالعات کامل است حالا آقایان اگر بخواهید مطالعات بکنید مطالعات بکنید بنده عرضی ندارم باشد برای بعد.

رئیس — آقایان فهیمی ملک زاده و جلالی و جمعی از آقایان تقاضا کرده‌اند که سلب فوریت شود و به کمیسیون برود.

بعضی از نمایندگان — صحیح است

رئیس — آقای فهیمی

فهیمی — اولا فرمایشات عتاب آمیز آقای وزیر مالیه را جهتش را ندانستم برای اینکه کارخانه منتظر خدمت ساختن را ما که نساخته ایم وزارتخانها ساختند...

وزیر مالیه — شما کمک کنید ببندیم

فهیمی — ما میخواهیم اینکار را بکنیم اجازه بفرمائید همین کار را میکنیم. پیشنهادی که بنده کردم راجع باین بود که قسمت اول ماده مطرح بشود تبصره‌ها رجوع شود به کمیسیون. قسمت اول فرمایشاتشان این بود که ما میخواهیم برای رعایت حال منتظرین خدمت در شب عید یک اظهار موافقی با آنها کرده باشیم آقایان هم با یک حرارت فوق العاده مطرح شدنش را موافقت کردند فوریتش را هم تقاضا کردند بعد یک دو ماده از آن زیر درآمد که مطلب از آن نظریه خارج شد اینها با هم منافات دارد آن چهل هزار تومانی که پیشنهاد فرمودید برای منتظرین خدمت مطابق همان قانونی که در هفته السنه بوده باید داده شود. از بابت سنه آتیه بطوریکه در کمیسیون بودجه هم با خودشان مذاکره شد قرار شد یک اصول جدیدی را در نظر بگیریم هم از برای محدود کردن عده منتظرین خدمت هم از برای تأدیه حقوق آنها قرار بود که موادی راجع به لایحه بودجه که به کمیسیون خواهند آورد که بعد باید بیاید در مجلس مطرح بشود در این موضوع صحبتی را ذکر بفرمایند که ما اینجا مطرح و تصویب شود الان هم حاضریم بعد هم یک حدی قرار بگذارند که دیگر منتظری خدمت نشوند با نظر آقای وزیر هم موافقیم و نهم که اول ۱۳۳۰ این دفعه را محکم باید بست در دفتر پرداخت هم قانون سابق را که در بودجه سال ۱۳۰۷ ذکر شده موافق شدیم که باید آنرا ملغی کرد و یک مد جدیدی را در نظر گرفت و حتی راجع به صدی پنج هم مذاکره شد که باید یک حدی از برای ممنوع ساختن یکعده که سنوات خدمتشان خیلی کم است فکر کرد همه اینها را پیش بینی کردیم اما این دو قسمت مستلزم این مذاکرات نیست در صورتیکه الان پس فردا شب عید است و خودشان با یک نظر رأفت و شفقتی خواستند با منتظرین خدمت رفتار کنند پس اجازه بفرمائید همان قسمت اولی را که اشاره فرمودید یعنی تصویب چهل هزار تومان برای حقوق آنها تصویب شود در مجلس و آن دو قسمت را به کمیسیون بودجه مراجعه کنند ما هم موافقت میکنیم که در مواد قانون بودجهٔ آن اصلاحاتی که باید بشود میشود بعد به مجلس خواهد آمد البته تا آخر فروردین تا وقتی که این قانون بگذرد ما که حقوق بانها نخواهیم داد دست دولت هم باز است و در مضیقه نخواهد بود ولی اگر محتاج بشود به مراجعه به آن مواد این قسمت اول هم که اعتبار چهل هزار تومان باشد معوق میماند و آن رأفتی که خواستید با آنها بکنید بعمل نمی‌آید.

وزیر مالیه — عرض کنم که بنده متاسفانه بالنتیجهٔ فرمایشات رفیق محترم خودم آقای فهیمی مخالفم و در طرزی هم که پیشنهاد میکنند بنده مخالفم. بنده تقاضای فوریت در این لایحه کردم فردا هم مجلس است آقایان همه موافق بشوند امروز عصر بروند به کمیسیون بودجه در آنجا مطرح بشود فردا بیاید اگر نظر داشته باشید که قبل از عید با نها برخورد بنده اطمینان میدهم حتی قبل از

عید بگذشتن بنده از اعتبارات موجوده این را میکنم این از حیث پرداخت اما تکلیف آنرا هم بنده قائل نیستم و مخصوصاً از آقای فهیمی تقاضا میکنم پیشنهاد این لایحه را که میخواهند درست کنند فکر بنده را هم بفرمایند

رئیس — اشخاصی که تقاضای فوریت کرده‌اند احساس میشود که خودشان عدول کردند. اگر توافق شود همین پیشنهاد اخیر را بفرستیم به کمیسیون بعری کمیسیون بودجه تشکیل میشود و در آنجا مطالعه شود بعد مطرح شود ماده پنجم قرائت میشود.

یکنفر از نمایندگان — چطور شد

رئیس — قضیه معلق بود بنده عرض کردم بکمیسیون برود آقای وزیر مالیه از یکطرف و آقایانی که خودشان تقاضای فوریت کرده بودند حرفی نداشتند خود لایحه هم اصولا بدون تقاضای فوریت به مجلس آمده بود عمل به معمول کردیم به کمیسیون فرستادیم

(ماده پنجم بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ — دولت مجاز است با اخذ حقوق انحصار مذکوره در ماده ۲ از صاحبان اجناس دخانیه تهیه و تجارت یک قسمت یا تمام اجناس دخانیه را بموجب جواز مخصوص آزاد نماید

رئیس — آقای شریعت زاده

شریعت زاده — موافقم

رئیس — آقای یاسائی

یاسائی — بنده در تفسیر عملی کلمهٔ مجاز نمیدانم آقای وزیر مالیه چه نظری دارند و چه جور عمل خواهند کرد. واقعاً همانطوری که ما از این کلمه در نظر داریم عمل خواهند کرد و دولت مکلف است این عمل را بکند یا اینکه تقاضا کردند اختیار با دولت است که هر طور بخواهد اینکار را انجام دهد. خواستم توضیحی بدهند که مطلب معلوم باشد

وزیر مالیه — البته عمل ما معنی الفاظ را تغییر نخواهد داد « مجاز » است به معنی « مکلف » نیست ولیکن عمل ما ممکن است روی « مجاز » باشد که جواز داده شود اما معنایش « مجاز است » سر جای خودش باقی است

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است

رئیس — پیشنهاد آقای اورنگ قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده پنجم بجای لفظ دولت مجاز است دولت مکلف است گذارده شود.

رئیس — آقای اورنگ

اورنگ — همه آقایان تصدیق دارید...

ملک آرائی — معلوم نیست

اورنگ — معلوم میشود که بهترین قوانینی که بنا بر اطلاعات بنده به مجلس آمده است یکی این قانون است دلیل هم بر واضح است با اینکه از من بهتر مستحضرید که مالیات بر جنس مضری گذارده میشود که استعمالش از هر نقطهٔ نظر برای افراد مضراست بیش از من هم کسی عشق به قلیان ندارد پس عرض میکنم راجع باین جزء از مسئله قابل بحث نیست که من بگویم این قانون خیلی خوب است و این مالیات خیلی خوب است ولیکن این قانون حاوی دو معنی است. دو مطلب در این قانون است یکی گذاردن مالیات بر جنس دخانیات.....

وزیر مالیه — مالیات نیست انحصاراست و تاکس انحصار

اورنگ — بسیار خوب زاع نداریم تاکس است وانحصار مورد بحث ما نیست. مسئله دوم اینکه یک خلقی مشغول این کسب هستند و دولت هم این مسئله را حس کرده است در ماده پنج لفظ « مجاز است » را که گذارده است. دولت مجازاست که تاکس خودش را دریافت کند و فروش و تهیه این جنس را با فروش و تدارک و تهیهٔ این جنس را برای افرادی که این تاکس را میدهند آزاد بگذارد فکر کرده است که یک افراد خیلی زیادی مشغول این کسب هستند نخواسته است که باب این معنی را بروی خلق مسدود کرده باشد و دست مردم را از روی این کسب کوتاه کرده باشد حالا که دولت

خودش این معنی را حس کرده است و این باب را برای مردم باز گذارده من فقط تقاضایم از آقای وزیر مالیه این است که برای موافقت بیشتری با خلق و کسبه ای که مشغول کسب این جنس هستند یك موافقت زیادتری کرده باشند بجای لفظ مجاز است دولت را مکلف بکنند که اگر تاکس خودش را موافق مادهٔ دو گرفت آنوقت جواز آزادی را مکلف باشد که بان کاسب بدهد این بود حاصل پیشنهاد بنده اعتقادم این است یك دقت مختصری از طرف آقای وزیر مالیه در این مسئله بشود اگر قابل قبول افتاد با بنده موافقت بفرمایند

وزیر مالیه — قابل قبول نیست وبنده هم قبول نمی کنم

رئیس — رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس — قابل توجه نشد رای میگیریم به ماده پنجم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد . پیشنهادی از طرف آقایان کازرونی و فیروز آبادی راجع به ختم جلسه شده است (نمایندگان — صحیح است) جلسه فردا سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شور در قانون انحصار دخانیات

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)